

در سایه سار خطبه حضرت زهرا

حسین عادزاده

به انضمام
منابع و مآخذ خطبه، تاریخچه فدک
بیوگرافی مولف و چهل حدیث در فضائل حضرت زهرا

به قلم: علی اکبر مهدی پور

در سایه سار خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها : متن کامل و ترجمه روان خطبه فدکیه

مشخصات کتاب

سرشناسه : فاطمه زهرا (س)، 8 قبل از هجرت _ 11 ق . 8 قبل از هجرت

عنوان و پدیدآور : در سایه سار خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها : متن کامل و ترجمه روان خطبه فدکیه / به قلم حسین عمادزاده ؛ مقدمه و یادداشت ها به قلم علی اکبر مهدی پور .

مشخصات نشر : اصفهان : عمادزاده ، 1388 .

مشخصات ظاهری : 112 ص .

شابک : 978 964 - - 1125 - 0 - 3

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : عربی _ فارسی .

یادداشت : عنوان دیگر : خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها : متن کامل و ترجمه روان خطبه فدکیه .

عنوان قراردادی : خطبه فدک . شرح

عنوان دیگر : خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها : متن کامل و ترجمه روان خطبه فدکیه .

موضوع : فاطمه زهرا سلام الله علیها ، 8؟ قبل از هجرت _ 11 ق . _ خطبه ها

شناسه افزوده : عمادزاده ، حسین ، 1285 _ 1369 ، مترجم .

رده بندی کنگره : 1387 2 م 84 ع / 22 / 27 BP

رده بندی دیویی : 297 / 973

شماره کتابخانه ملی : 1669856

در سایه سار خطبه حضرت زهرا علیهاالسلام

حسین عمادزاده

مقدّمه و یادداشت ها : علی اکبر مهدی پور

ناشر : انتشارات حسینیّه عمادزاده _ اصفهان

چاپ اول / 1388 / 5000 نسخه / 112 صفحه رقعی

چاپخانه عمران

شابک : 3 _ 0 _ 1125 _ 964 _ 978

1000 تومان

ص: 1

اشاره

ص: 2

ص: 3

خطبه ی آتشین بانوی نمونه ی اسلام

بقیّه النبوّه

حضرت فاطمه ی زهرا سلام اللّه علیها ،

دخت گرامی حضرت خاتم الأنبیاء صلی الله علیه و آله

را به پیشگاه مقدّس بنیانگذار حکومت واحد جهانی

بر اساس عدالت و آزادی ، خاتم الأوصیاء حضرت

بقی_ه اللّه

ارواحنا فداه ، صاحب « دوله الزّهراء » در فرخنده روز « عید الزّهراء » ، یکهزار و یکصد و هفتادمین سالروز امامت آن حضرت تقدیم می نماییم .

نهم ربیع الأوّل 1430 ه . ق .

ص: 4

ص: 5

ص: 6

در میان آثار ماندگار تنها یادگار پیامبر ، حضرت زهرا علیهاالسلام « خطبه ی فدکیّه » که از سوی کوثر قرآن ، سرور بانوان جهان ، حضرت زهرای مرضیه علیهاالسلام ، در حضور مهاجر و انصار ، به عنوان استیضاح دولت وقت ایراد شده و صاحب آن از سوی امیر بیان ، مولای متّقیان ، امیرمؤمنان علیه السلام مدال :

یَا ابْنَهَ الصَّفْوَهِ وَبَقِیَّهَ النُّبُوَّهِ ؛

ای دختر برگزیدگی و بازمانده ی پیامبری ،(1)

دریافت نموده ، از اهمیّت خاصّی برخوردار است و در طول تاریخ صدها بار از سوی فرهیختگان امّت مورد تحقیق و کنکاش قرار گرفته و صدها شرح و تفسیر در پیرامون آن تدوین یافته ، و همه ساله مسابقه های فراوانی از سوی مراکز فرهنگی برای حفظ متن ، ترجمه ، تفسیر و تحلیل آن برگزار می گردد .

از این رهگذر مناسب به نظر رسید که متن تحقیق شده ی آن با ترجمه ی ساده و روان در دسترس طبقات مختلف قرار گیرد ، منابع آن معرّفی شده ، تلاش های انجام شده از سوی دانشوران و مرزبانان کشور ایمان ، شناسانده شده ، موقعیّت جغرافیایی و پیشینه ی تاریخی « فدک »

1- 1 . طبرسی ، الإحتجاج ، ج 1 ، ص 107 ، مؤسّسه الأعلمی ، بیروت ، 1401 ق .

بررسی گردد .

ص: 8

خطبه ی فدکیّه

در حضور مهاجر و انصار

سر سلسله ی بانوان بزرگی که کرسی خطابه را با خطبه های شورانگیز خود زینت بخشیده اند ، صدیقه ی کبری ، فاطمه ی زهرا سلام اللّه علیها می باشد ، که قدرت بیان ، گیرایی تعبیر ، بلندی معانی و شیوایی اسلوب را از پدر والا قدرش به ارث برده ، در فصاحت و بلاغت هم سنگِ همسر بزرگوارش امیرمؤمنان صلوات اللّه علیه قرار گرفته ، گوی سبقت را از همه ی بانوان عالم برده است.

خطبه ای که در این بخش ، منبع شناسی و کتاب شناسیِ آن تقدیم می گردد ، خطبه ایست که پس از شهادت رسول اکرم صلی اللَه علیه و آله در مسجد مدینه ی منوره ، در حضور مهاجر و انصار ، به عنوان «استیضاحِ خلیفه» و انتقاد از نظام حاکم ایراد شده است.

بزرگ بانوی جهان آفرینش ، به هنگام القای این خطبه ، در سوگ پدر بزرگوارش به شدّت متأثّر ، از غصب حق شوی گرامی اش در دریای غم و اندوه غوطه ور ، از ناحیه ی سینه ، بازو ، کمر و صورت به شدت مجروح و مصدوم بود ، ولی در این خطبه از طرز تشکیل حکومت و تحریف مسیر خلافت انتقاد نموده ، آثار زیانبار آن را در اجتماع نوبنیاد اسلامی به تفصیل بیان کرده ، از توحید ، نبوت ، امامت ، فلسفه ی احکام ، حقایق تابناک اسلام و معارف والای تشیع سخن گفته ، چهره ی کریه غاصبان خلافت و متصدیان نامشروع زعامت را به

شایسته ترین وجه ممکن ترسیم نموده ، که از دیدگاه عمق مطالب ، استحکام معانی ، استدلال به آیات قرآن ، استشهاد به سنت قطعی ، شیوایی بیان و تناسب آن با هدف خطابه ، به قدری بلند و پر مایه است که نظیر آن ، جز در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر بیان ، مولای متقیان ، پیشوای پروا پیشگان ، حضرت علی علیه السلام یافت نمی شود.

فرازهای تابناک این خطبه در سینه ها ضبط شد ، در بایگانی تاریخ نقش بست و در سر لوحه ی اوراق زرین تاریخ ثبت گردید ، که در ادامه به تعدادی از منابع مورد اعتماد و استناد اشاره خواهیم کرد و اینک متن کامل و ترجمه ی روان خطبه ی فدکیّه :

متن کامل خطبه ی فدکیّه

ص: 11

الْحَمدُ لِلَّهِ عَلى ما أَنْعمَ ، وَلَهُ الشُّكْرُ عَلى مَا أَلْهَمَ ، وَالثَّنَاءُ بِما قَدَّمَ .. مِن عُمُوم نِعَمٍ ابْتَدَاها ، وَسُبُوغ آلاءٍ أَسْداها ، وَتَمامِ مِنَنٍ والاها .. جَمَّ عَنِ الإِحْصاءِ عَدَدُهَا ، وَنَأى عَنِ الْجَزاءِ أَمَدُها ، وَتَفاوَتَ عَنِ الإِدْراكِ أَبَدُها ، وَنَدَبَهُمْ لاسْتِزادَتِها بِالشُّكْرِ لاتِّصَالِها، وَاسْتَحْمَدَ إِلى الخَلائِقِ بِإِجْزالِها ، وَثَنّى بِالنَّدْبِ إِلى أَمْثالِها .

وَأَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلاّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ ؛ كَلِمَةً جَعَلَ الإِخْلاصَ تَأْوِيلَها ، وَضَمَّنَ القُلُوبَ مَوْصُولَها ، وَأَنارَ فِي الْفِكرِهِ مَعْقُولَها .. المُمْتَنِعُ مِنَ الأَبْصارِ رُؤيَتُهُ ، وَمِنَ الأَلْسُنِ صِفَتُهُ ، وَمِنَ الأَوْهامِ كَيفِيَّتُهُ .. ابْتَدَعَ الأَشْياءَ لا مِنْ شَىءٍ كانَ قَبْلَها ، وَأَنْشَأَها بِلا احْتِذاءِ أَمْثِلَةٍ امْتَثَلَها ، كَوَّنَها بِقُدْرَتِهِ ، وَ ذَرَأَها بِمَشِيّتِهِ ، مِنْ غَيْرِ حاجَةٍ مِنْهُ إِلى تَكْوِينِها ، وَلا فَائِدَةٍ لَهُ فِى تَصْويرِها ، إلاّ تَثْبِيتاً لِحِكْمَتِهِ ، وَتَنبِيهاً عَلى طَاعَتِهِ ، وَإِظهَاراً لِقُدرَتِهِ ، وَتَعَبُّداً

حمد و ستایش پروردگاری را که نعم بی پایانش همه ی موجودات را فراگرفته به اشباح بی رنگ صحرای عدم ، رنگ وجود بخشیده و به نیستی و کتم عدم لباس هستی پوشانده است .

سپاس خدای را که با الهامات خفیه درس شکرگزاری به ما آموخت و ما را موظّف به حمد و ثنای خود فرمود .

خدای را تقدیس می کنم که از هر کس بخشنده تر است به همه نعمت وجود ارزانی داشته ، امّا کیست که بتواند بخشایش او را برشمارد ، و کدام نیرو است که آغاز و انجام نعم وی را بداند .

گواهی می دهم که آفریننده ای است قبل از هر چیز بوده و پس از هر چیز خواهد بود منبع فیض لایزالی جودش چون ابر ، ریزنده و بخشنده است ، و تا ابد ظروف اندیشه و افکار از فیضان لایتناهی او بهره و نصیب می گیرند ، ابر رحمت بی حسابش دائم در ریزش و بارش است .

پروردگاری که فرمان داد به شکرگزاری نعماتش را بزرگ شمارند .

گواهی می دهم خدائی جز او نیست ، این شهادت آمیخته به اخلاص است که معانی و تأویل آن در دل ها گنجانیده شده و مدرکات به تصوّر محسوسات روشن و آشکار گشته است .

او پروردگاری است که چشم ها نیروی دیدن او را ندارند و زبان ها از وصف بیان او عاجزند ساحت عزّتش را اوهام درک نکنند و مقام ذاتش را عقول در نیابند .

او خالقی است که موجودات را بدون مادّه پدید آورد و روی خرابه های وجود نقش و نگار بدیع موجود نمود و چهره را بدون مثل و مانند تصویر و ایجاد فرمود . او به مشیّت و اراده ی خود به عدم خلعت وجود پوشانید بدون آنکه نیازی به

موجود داشته باشد یا فایده و نتیجه ای در تصویر منظور دارد .

او به حکمت و مصلحت خود خلایق را آفرید و بر اطاعت و عبادت خویش آگاه و موظّف ساخت تا در ایجاد خلایق و تبدیل مادّه به نیرو در آزمایشگاه جهان

ص: 14

لِبَريَّتِهِ ، وَ إعْزازاً لِدَعْوتِهِ ..

ثُمَّ جَعَلَ الثَّوابَ عَلى طَاعَتِهِ ، وَوَضَعَ العِقابَ عَلى مَعْصِيَتِهِ ، زِيادَةً لِعبادِهِ عَنْ نِقْمَتِهِ ، وَحِيَاشَةً مِنْهُ إِلى جَنَّتِهِ .

وَأَشهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمّداً [صلى الله عليه و آله وسلم] عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ؛ اخْتارَهُ وَانْتَجَبَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ ، وَسَمَّاهُ قَبْلَ أَنِ اجْتَبَلهُ ، وَاصْطَفاهُ قَبْلَ أَنِ ابْتَعَثَهُ ؛ إِذِ الخَلائِقُ بِالغَيْبِ مَكنُونَهٌ ، وَبِسِتْرِ الأَهاوِيلِ مَصُونَهٌ ، وَبِنِهَايَهِ الْعَدَمِ مَقْرُونَهٌ .. عِلْماً مِنَ اللَّهِ تَعَالى بِمَآيِلِ الأُمُورِ ، وَإِحاطَهً بِحَوادِثِ الدُّهُورِ ، وَمَعْرِفَهً بِمَواقِعِ المَقدورِ .

ابْتَعَثَهُ اللَّهُ تعالى إِتْماماً لِاءَمْرِهِ ، وَعَزِيمَهً عَلى إِمْضاءِ حُكْمِهِ ، وَإِنفاذاً لِمَقَادِيرِ حَتْمِهِ ، فَرَأى الأُمَمَ فِرَقاً فِى أَدْيانِهاَ ، عُكَّفاً عَلى نِيرانِها ، عَابِدَهً لِاءَوْثانِها ، مُنْكِرَهً للَّهِ مَعَ عِرْفانِها ..

فَأَنَارَ اللّهُ بِمُحَمَّدٍ[صلى الله عليه و آله وسلم] ظُلَمَها ، وكَشَفَ عَنْ الْقُلُوبِ بُهَمَها ، وَجَلا عَنْ الأَبْصارِ غُمَمَها ، وَقامَ فِى النَّاسِ بِالْهدايَهِ ، وَأَنْقَذَهُم مِنَ الغَوايَهِ ، وَبَصَّرَهُمْ مِنَ العَمايَهِ ، وَهَداهُمْ إِلى الدِّينِ القَوِيمِ ، وَدَعَاهُمْ إِلى الطَّرِيقِ المُسْتَقِيمِ ..

ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَأْفَهٍ وَاخْتِيارٍ ، وَرَغْبَهٍ وَإِيثارٍ ..

بِمُحَمَّدٍ[صلى الله عليه و آله وسلم] عَنْ تَعَبِ هذِهِ الدّارِ فِى رَاحَهٍ، قَدْ حُفَّ بِالْمَلاَئكَهِ الأَبْرارِ ، وَرِضْوانِ الرَّبِّ الغَفَّارِ ، وَمُجاوَرَهِ المَلِكِ الجَبَّارِ .

قدرت لایزالی خود را آشکار نماید .

او بندگان را به عبادت دعوت فرمود تا به عبودیّت آنها را مستوجب پاداش گرداند ، او ثواب را مبتنی بر اطاعت و عقاب را منوط به معصیت قرار داد .

او آزادی عمل داد تا بدکاران را به جهنّم کیفر دهد و نیکوکاران را به بهشت پاداش عطا فرماید .

گواهی می دهم که پدرم محمّد صلی الله علیه و آله بنده و رسول و منتخب پروردگار است ، خداوند عالم او را برگزید پیش از آنکه رسالت دهد و او را نام نهاد قبل از آنکه بیافریند و او را انتخاب کرد پیش از آنکه مبعوث به رسالت گرداند ، او را آفرید وقتی که همه مخلوقات در سرادق غیبی و در کتم عدم بودند و در ظلمات نیستی به سر می بردند .

خداوند او را به کلیّه مصالح عالیه نظام زندگی بشر و به کلیّه حوادث و سوانح و به همه ی وقایع و حقایق آگاه و واقف فرمود ، آنگاه برای اتمام امر خود برانگیخت و مأمور انفاذ حکمت عالیه خود فرمود در حالی که مردم در ادیان و عقاید مختلف بودند ، گروهی آتش پرست و جمعی بُت پرست و منکر خداوند بودند .

خداوند به نور وجود محمّد صلی الله علیه و آله تاریکی های جهالت را از دل ها زدود و شبهات قلوب را به اشراقات و افاضات تعلیمات عالیه او برطرف ساخت و نابینائی دل ها را به نور دانش منوّر گردانید .

پدرم به امر حقّ برای راهنمائی و هدایت و ارشاد خلایق قیام نمود و گمراهان را از گرداب ضلالت و جهالت نجات داد و تیرگی دل ها را به نور ایمان روشن نمود و آنها را به دین اسلام دعوت کرد و به راه راست دلالت فرمود .

آنگاه حضرت حقّ جلّ شأنه روح مقدّس او را به رأفت و رحمت به قرب خود قبض و اختیار نمود و آخرت را برای او برگزید و پدرم محمّد صلی الله علیه و آله را از رنج و تعب دنیا آسوده ساخت .

آنگاه فرشتگان ملأ اعلا به استقبال اطراف او را گرفتند و رضا و خشنودی پروردگار را به او ابلاغ نمودند تا در مجاورت خالق جبّار وصول قرب یافت .

ص: 17

صَلّى اللَّهُ عَلى أَبِي نَبِيِّهِ وَأَمِينِهِ عَلَى الْوَحْيِ ، وَصَفِيِّهِ وَخِيَرَتِهِ مِنَ الخَلْقِ وَرَضِيِّهِ ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ .

ثمّ التفتت إلى أهل المجلس وقالت :

أَنتُمْ عِبادَ اللَّهِ نُصْبُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ ، وَحَمَلَةُ دِينِهِ وَوَحْيِهِ ، وَأُمَناءُ اللَّهِ عَلى أَنْفُسِكُم ، وَبُلَغاؤُهُ إِلَى الأُمَمِ ، وَزَعَمْتُمُ حَقٌّ لَكُمْ ، لِلَّهِ فيكُمْ عَهْدٌ قَدَّمَهُ إِلَيْكُمْ ، وَبَقِيَّةٌ اسْتَخْلَفَها عَلَيْكُمْ ، كِتابُ اللَّهِ الناطِقُ ، وَالقُرآنُ الصَّادِقُ ، وَالنُّورُ السَّاطِعُ ، وَالضِّياءُ اللاَّمِعُ .. بَيِّنٌهْ بَصائِرُهُ، مُنْكَشِفَهْ سَرائِرُه، مُتَجَلِّيَهْ ظَوَاهِرُهُ، مُغْتَبطَهْ بِهِ أَشياعُهُ، قائِدٌ إِلَى الرِّضْوانِ اتِّباعُهُ ، مُوءَدٍّ إِلَى النَّجاةِ إِسْماعُهُ .. بِهِ تُنَالُ حُجَجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَهُ ، وَعَزائِمُهُ الْمُفَسَّرَهُ ، وَمَحَارِمُهُ المُحَذِّرَهُ ، وَبَيِّناتُهُ الجَاليهُ ، وَبَراهِينُهُ الْكَافِيهُ ، وَفَضائِلُهُ الْمَنْدُوبَهُ ، وَرُخَصُهُ المَوْهُوبَهُ ، وَشَرايِعُهُ الْمَكتُوبَهُ ..

فَجَعَلَ اللَّهُ الإِيمانَ ؛ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّركِ ،

وَالصَّلاةَ ؛ تَنزِيهاً لَكُمْ عَنِ الكِبْرِ ،

وَالزَّكاةَ ؛ تَزكِيَةً لِلنَّـفْسِ ، وَنَماءًا فِى الرِّزْقِ ،

وَالصِّيامَ ؛ تَثْبِيتاً لِلإِخْلاصِ ،

وَالحَجَّ ؛ تَشْيِيداً لِلدِّينِ ،

درود و تحیّت خدا بر پدرم محمّد صلی الله علیه و آله که فرستاده او و امین وحی او و برگزیده او و بهترین بندگان الهی بود . سلام و رحمت و لطف خدا بر او باد .

آنگاه به سوی مردم التفاتی نمود و فرمود :

شما بندگان خدا و محلّ و مورد اوامر و نواهی پروردگار هستید ، شما حامل دین و وحی او می باشید ، شما بر نفس و جان خود امین خداوند هستید، شما هستید که باید به دین خدا عمل نموده و به دیگران ابلاغ نمایید و سرمشق دیگران باشید .

خداوند در میان شما ضامن بر حقّی قرار داد و عهد و پیمانی به وسیله ی پیغمبر خاتم بر شما فرستاد و بعد از او دو خلیفه و جانشین بر شما بگماشت که آنها کتاب ناطق و کتاب صامت الهی هستند ، انوار ارشاد ربوبی و هدایت آنها مشعشع و پرتوافکن است و شما را به سوی حق رهبری می نماید و دیدگان شما را روشن می گرداند .

سرایر قرآن بر شما پوشیده و ظواهر آن متجلّی و آشکار می باشد ، ملل دیگر به پیروان قرآن غبطه می خورند و حسرت می برند ، پیروی قرآن شما را به رضای خدا سوق می دهد و استماع آن شما را به نجات و سعادت می رساند ، به وسیله قرآن نشانه ها و آیات قدرت الهی درک می گردد و احکام شریعت از حلال و حرام دریافت می شود .

از محرمات باید حذر نمود و اجتناب ورزید ، دلائل قرآن روشن و براهین آن کافی می باشد ، پیروان قرآن به فضائل معنوی نائل خواهند شد .

خداوند برای تسهیل ، احکام مباح قرآن را بخشیده و احکام واجب آن را فرض و حتم فرموده است .

پروردگار ایمان را باعث تطهیر و پاکیزگی از شرک ؛

نماز را برای تنزیه دل ها از کبر و نخوت ؛

زکات را برای تزکیه نفس و مال و افزونی روزی ؛

روزه را برای ثبات و تحقّق در اخلاص ؛

حجّ را برای تشیید و تحکیم مبانی دین و اعلاء کلمه ی توحید ؛

ص: 20

وَالعَدْلَ ؛ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ ،

وَطَاعتَنَا ؛ نِظاماً لِلْمِلَّهِ ،

وَإِمامَتَنا ؛ أَمَـاناً مِنَ الفُرْقَهِ ،

وَالجِهادَ ؛ عِزَّاً لِلإِسْلامِ ،

وَالصَّبرَ ؛ مَعُونَهً عَلى اسْتِيجابِ الأَجْرِ ،

وَالأَمْرَ بالْمَعْرُوفِ ؛ مَصْلَحَهً لِلعامَّهِ ،

وَبِرَّ الوَالِدَيْنِ ؛ وِقايَهً مِنَ السَّخَطِ ،

وَصِلَهَ الأَرْحامِ ؛ مَنْماهً لِلعَدَدِ ،

وَالقِصاصَ ؛ حَقْناً لِلدِّماءِ ،

وَالوَفَاءَ بِالنّذْرِ ؛ تَعْريضاً لِلْمَغْفرَهِ ،

وَتَوفِيَهَ المَكاييلِ وَالمَوَازِينِ ؛ تَغييراً لِلْبَخْسِ ،

وَالنَّهىَ عَنْ شُرْبِ الخَمْرِ ؛ تَنزِيهاً عَنِ الرِّجْسِ ،

وَاجْتِنابَ القَذْفِ ؛ حِجاباً عَنِ اللَّعْنَهِ ،

وَتَرْكَ السَّرِقَهِ ؛ إيجاباً لِلعِفَّهِ ..

وَحَرَّمَ اللَّهُ الشِّرْكَ ؛ إخْلاصاً لَهُ بالرُّبُوبِيَّهِ ، فَـ « اتَّقُوا اللّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلاَ تَمُوتُنَّ إلاّ وَأَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ »(1) ، وَأَطِيعُوا اللّهَ فِيما أَمَرَكُمْ

1- 1 . سوره ی آل عمران (3) ، آیه ی 102 .

عدل را برای تألیف قلوب ؛

اطاعت ما خاندان را برای حسن انتظام امور اجتماعی ؛

امامت ما اهل بیت را برای ایمنی از اختلاف و تفرقه ؛

جهاد را برای عزّت و سربلندی ملّت اسلام ؛

صبر و شکیبائی را برای استحقاق اجر ؛

امر به معروف را برای مصالح عامّه مردم ؛

نیکی به والدین را برای مصونیّت از غضب خود قرار داده است ؛

خداوند صله رحم را برای پیوستگی و وحدت ؛

قصاص را برای حفظ جان ها ؛

وفای به نذر را برای رسیدن به مغفرت و آمرزش ؛

تمام پیمودن کیل و وزن را برای اعتماد و حفظ اموال از نقص و زیان ؛

نهی از شرب خمر را برای دوری از رجس و پلیدی ؛

اجتناب از بهتان را برای مصونیّت از لعنت ؛

ترک دزدی را برای حصول امنیّت اجتماعی ؛

ترک شرک را برای خلوص عبودیّت مقرّر فرموده است .

« پس ای مردم از خدا بترسید و پرهیزکار واقعی باشید تا از دنیا نروید مگر آنکه در زمره ی مسلمانان قرار گیرید » .

ای مردم آنچه خداوند به شما امر کرده اطاعت کنید و از آنچه نهی فرموده

بِهِ وَنهاكُمْ عَنْهُ فَإِنَّهُ : « إِنَّمَا يَخْشَى اللّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ »(1) .

ثمّ قالت :

أَيُّهَا النَّاسُ ! اعْلَموا أَنّي فَاطِمَةُ وَأَبِى مُحَمَّدٌ صلى الله عليه و آله وسلم ، أَقُولُ عَوْداً وَبَدْءاً ، وَلاَ أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطاً ، وَلاَ أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطاً : « لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ »(2)، فَإِنْ تَعزُوهُ وَتَعْرِفُوهُ تَجِدُوهُ أَبى دُونَ نِسائِكمْ ، وَأَخا ابْنِ عَمِّى دُونَ رِجالِكُمْ .. وَلَنِعْمَ المَعْزِىُّ إِلَيهِ صلى الله عليه و آله وسلم ، فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ ، صَادِعاً بِالنِّذارَهِ ، مَائِلاً عَنْ مَدْرَجَهِ المُشرِكِينَ ، ضَارِباً ثَبَجَهُمْ ، آخِذاً بِأَكْظامِهِمْ ، دَاعِياً إِلى سَبيلِ رَبِّهِ بِالحِكمَهِ وَالمَوعِظَهِ الحَسَنَهِ ، يَكْسِرُ الأَصْنامَ ، وَيَنْكُثُ الْهامَ ، حَتَّى انْهَزَمَ الْجَمْعُ وَوَلَّوا الدُّبُرَ ، حَتَّى تَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ ، وَأَسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ ، وَنَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ ، وَخَرِسَت شَقَاشِقُ الشَّياطِينِ ، وَطَاحَ وَشِيظُ النِّفاقِ ، وَانْحَلَّتْ عُقَدُ الكُفْرِ وَالشِّقَاقِ ، وفُهْتُم بِكَلِمَهِ الإِخْلاصِ ، فِينَفرٍ مِنَ البِيضِ الخِماصِ ، « وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَهٍ مِّنَ النَّارِ .. »3، مُذْقَهَ الشَّارِبِ ؛ وَنُهْزَهَ الطّامِعِ ، وقَبْسَهَ

1- 1 . سوره فاطر (35) : 28 .
2- 2 . سوره التوبه (9) : 128 . 3 . سوره آل عمران (3) : 103 .

اجتناب نمایید ، که « در میان بندگان خدا تنها دانشمندان از خدا ترسانند » .

سپس فرمود :

ای مردم بدانید من فاطمه زهرا هستم و پدرم محمّد صلی الله علیه و آله پیغمبر خدا می باشد آنچه اوّل گفتم آخر هم همان سخن را می گویم و آنچه می گویم حساب شده می گویم و اشتباه نمی گویم .

ای مردم آنچه می گویم براساس حقّ و عدالت است ، خداوند برای شما پیغمبر از جنس خودتان فرستاد که سختی ها و نابسامانی های شما بر او دشوار و به هدایت و ارشاد شما کوشا و بر مؤمنین رؤف و مهربان می باشد ، اگر او را به بزرگی یاد کنید و نسبت او را متذکّر گردید او پدر من بود نه پدر زنان دیگر ، و او برادر پسر عمّ من بود نه برادر مردان دیگر ، چه بزرگوار است آنکه من نسبت به او دارم ، رحمت خدا بر او باد که فرمان خدا را به بندگان رسانید و رسالت خود را آشکار کرد ،

او با مشرکین مبارزه و معارضه نمود و آنها را به دین حنیف اسلام راهنمایی کرد به سعادت نائل گردانید و با حکمت و موعظت و پند و اندرز گمراهان را به راه خوشبختی سوق داد و بُت ها را درهم فروکوفت و بُت پرستان را به خاک مذلّت افکند تا بر شما پشت کرده و گریختند و نابود شدند و مانند صبح صادق تاریکی های شب جهالت ناپدید شد و چهره زیبای حقّ از پس پرده های جهل و تاریکی نمایان گردید و بر مسند ارشاد و هدایت تکیه زد و زبان فرومایگان و دشمنان دین را لال گردانید .

او نفاق و دو روئی را از بین شما برد و گره های کفر و عناد را از هم گُسست و شما را با توحید و یکتاپرستی آشنا نمود ، « شما بودید که در پرتگاه آتش قرار

داشتید » و از کمی و قلّت مانند شربت آبی بودید که تشنه ای بیاشامد و لقمه ای که العَجْلانِ ، وَمَوْطِی ءَ الأَقْدام ، تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ ، وَتَقْتَاتُونَ الوَرَقَ ، أَذِلَّةً خاسِئِینَ .. تَخَافُونَ أَنْ یَتَخَطَّفَکُمُ النَّاسُ مِنْ حَولِکُم ..

فَأَنْقَذَکُمُ اللَّهُ تَبارَکَ وَتَعالی ، بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وسلم .. بَعْدَ اللَّتَیَّا وَالَّتی ، وَبَعْدَ أَنْ مُنِیَ بِبُهَمِ الرِّجالِ ، وَ ذُؤْبانِ العَرَبِ ، وَمَرَدَهِ أَهْلِ الْکِتَابِ : « کُلَّمَآ أَوْقَدُوا نَاراً لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللّه ُ »(1) ، أَوْ نَجَمَ قَرْنٌ لِلشَّیْطَانِ ، وَفَغَرَتْ فَاغِرَهٌ مِنَ المُشْرِکِینَ .. قَذَفَ أَخَاهُ فِی لَهَواتِها ، فَلا یَنْکَفِی ءُ حَتَّی یَطَأَ صِماخَها بِأَخْمَصِهِ ، وَیُخْمِدَ لَهَبَها بِسَیْفِهِ .. مَکْدُوداً فِی ذاتِ اللَّهِ ، وَمُجْتَهِداً فِی أَمْرِ اللّهِ ، قَرِیباً مِنْ رَسُولِ اللّهِ، سَیِّدَ أَوْلیاءِ اللّهِ ، مُشَمِّراً نَاصِحاً ، مُجِدّاً کَادِحاً.. وَأَنْتُمْ فِی رَفاهِیَهٍ مِنَ العَیْشِ ، وَادِعُونَ فَاکِهُونَ آمِنُونَ ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوائِرَ ، وَتَتَوَکَّفُونَ الأَخْبَارَ ، وَتَنْکُصُونَ عِندَ النِّزالِ ، وَتَفِرُّونَ عِنْدَ القِتَالِ . فَلَمَّا اخْتَارَ اللّهُ لِنَبِیِّهِ دَارَ أَنبِیائِهِ ، وَمَأْوَی أَصْفِیائِهِ ، ظَهَرَ فِیکُمْ حَسِیکَهُ النِّفَاقِ ، وَسَمَلَ جِلْبابُ الدِّینِ ، وَنَطَقَ کَاظِمُ الغَاوِینَ ، وَنَبَغَ خَامِلُ الأَقَلّینَ ، وَهَدَرَ فَنِیقُ المُبْطِلِینَ ، فَخَطَرَ فِی عَرَصَاتِکُمْ ، وَأَطْلَعَ الشَّیْطانُ رَأسَهُ مِنْ مَغْرِزِهِ هَاتِفاً بِکُمْ ، فَأَلْفاکُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِیبِینَ ، وَلِلْغِرّهِ فِیهِ

1- 1 . سوره المائده (5) : 64 .

گرسنه ای به آن دست یابد و یا پاره آتشی که با شتاب رو به خاموشی گراید .

شما لگدکوب مردم قوی و دستخوش تمایلات نابخردان نیرومند بودید ، آب متعفّن را می آشامیدید و برگ درختان را پوشش و غذای خود قرار داده بودید و در نهایت خواری و مذلّت به زندگی ادامه می دادید و همیشه در بیم آن بودید که کدام دسته ی متخاصم شما را نابود نماید .

خداوند تبارک و تعالی به وجود مقدّس محمّد صلی الله علیه و آله شما را از این نابسامانی و مذلّت نجات داد و آسودگی بخشید بعد از آنکه در دست شجعان عرب و گرگان بیابان جهالت سرگردان و در نزد اهل کتاب زبون و خوار بودید ، « هر زمان که آنها آتش جنگ می افروختند خداوند (به دست پدرم) آن را خاموش می فرمود » و هرگاه ستاره وسوسه شیطان صفتان ظاهر می گردید و فتنه ای برپا می شد و آتش انقلاب روشن می گردید پدرم برادرش علی را برای خاموش کردن فتنه می فرستاد و او برنمی گشت جز اینکه آتش جنگ را فرو می نشاند و سر دشمن را زیر پا می نهاد او بود که برای رضای خدا و اطاعت امر پیغمبر صلی الله علیه و آله اهتمام تمام داشت و همیشه سایه صفت پشت سر پیغمبر خدا بود و در میان دوستان خدا از همه بالاتر و والاتر بود و در اطاعت و اجرای امر خدا کوشش فراوان می نمود تا شما در آسایش به سر برید و در مهد ایمنی متنعّم باشید .

امّا شما برای ما خاندان انتظار بلاها و فتنه ها داشتید و منتظر اخبار وحشتناک بودید ، به هنگام سختی خود را کنار کشیدید و دوری نمودید و از معرکه گریختید .

هنگامی که پروردگار متعال منزل و منزلت پیغمبران را برای پدرم اختیار فرمود و آرامگاه برگزیدگانش را برای او انتخاب نمود ، در میان شما خار نفاق ظاهر شد و جامه ی دین کهنه گردید ، گمراهان به سخن درآمدند و گمنام های پستْ قدر و منزلت یافتند .

و مرکب جهالت را در میدان بطالت دوانیدند و شیطان از کمینگاه ظاهر شد و به وساوس خود شما را بفریفت و شما او را اجابت کردید و چشم به دنیا و متاع آن

ص: 27

مُلاحِظِينَ ، ثُمَّ استَنْهَضَكُم فَوَجَدَكُم خِفافاً ، وَأَحْمَشَكُمْ فَأَلْفاكُمْ غِضاباً ، فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ إِبِلِكُمْ ، وَأَوْرَدْتُمْ غَيْرَ شِربِكُمْ .

هَذا ؛ وَالْعَهْدُ قَريبٌ ، وَالْكَلْمُ رَحيبٌ ، وَالجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلْ ، وَالرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرْ ، ابْتِداراً زَعَمْتُمْ خَوْفَ الفِتْنَهِ ! « أَلاَ فى الْفِتْنَهِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَهٌ بِالْكَافِرِينَ »(1) .

فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ ! وَكَيْفَ بِكُمْ ؟ ! وَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ؟ وَكِتَابُ اللّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ ، أُمُورُهُ ظَاهِرَهٌ ، وَأَحْكامُهُ زَاهِرَهٌ ، وَأَعْلامُهُ بَاهِرَهٌ وَزَوَاجِرُهُ لاَئِحَهٌ ، وَأَوامِرُهُ وَاضِحَهٌ ، قَدْ خَلَّفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ ، أَ رَغْبَهً عَنْهُ تُرِيدُونَ ؟ .. أَمْ بِغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ ؟ ! « بِئْسَ لِلْظَّالِمِينَ بَدَلاً »(2) ، « وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الإِسْلامِ دِيناً فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فى الآخِرَهِ مِنَ الْخاسِرِينَ »(3) .

ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلاَّ رَيْثَ أَنْ تَسْكُنَ نَفْرَتُها ، وَيَسْلَسَ قِيادُهَا ، ثُمَّ أَخَذْتُمْ تُورُونَ وَقْدَتَها ، وَ تُهَيِّجُونَ جَمْرَتَها ، وَتَسْتَجِيبُونَ لِهُتَافِ الشَّيْطَانِ الغَوِىِّ ، وَإِطْفاءِ أَنْوارِ الدِّينِ الجَلِىِّ ، وَإِهْمَادِ سُنَنِ النَّبىِّ الصَّفىِّ ، تُسِرُّونَ حَصْواً فِى ارْتِغَاءٍ ، وَتَمشُونَ لِاَهْلِهِ وَوُلْدِهِ فِى

1- 1 . سوره التوبه (9) : 49 .
2- 2 . سوره الكهف (18) : 50 .
3- 3 . سوره آل عمران (3) : 85 .

دوختید و اسیر هوای نفس شدید و علیه خاندان پیغمبر به مبارزه برخاستید تا آنجا که بر شتر غیرپا نهادید و در آبخورگاه دیگران وارد شدید و مرکب خلافت را غصب نمودید .

ای مردم هنوز از درگذشت رسول خدا زمانی نگذشته و هنوز داغ او تازه است ، هنوز زخم دل ما التیام نیافته است ، هنوز جسد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در خاک قرار نگرفته بهانه کردید که از فتنه می ترسیم و « در آن فتنه که با دست خود ایجاد نمودید گرفتار شدید و جهنّم بر کافران احاطه خواهد داشت » .

افسوس بر شما که به گمراهی کشانده شدید در حالی که کتاب خدا در میان شماست ، احکام فروزان قرآن نشانه های آشکاری دارد و در هر امری حکمی نازل شده است و دانستنی های آن از اوامر و نواهی واضح و آشکار می باشد .

شما آیات روشن الهی را پشت سر نهاده اید و آنها را نادیده گرفته اید ، آیا از قرآن اعراض نموده اید و یا حاکمی غیر از قرآن می جویید ؟ « بد پاداشی بر ستمکاران است که فرمان خدا را تغییر دهند » و از دستورات قرآن سرپیچی نمایند ، « هر کس دینی غیر از اسلام اختیار نماید خداوند از او نمی پذیرد و در آخرت در پیشگاه خدا و دیوان محاسبات او زیانکار خواهد بود » .

ای مردم شما پس از رحلت پیغمبر صلی الله علیه و آله اندکی درنگ نکردید و در کار خود نیندیشیدید و آتش فتنه و فساد برافروختید و صدای شیطان گمراه کننده را اجابت نمودید و انوار دین را خاموش گردانیدید و سنّت های پیغمبر صلی الله علیه و آله را محو نمودید و خوشحال هستید که در رفاه و آسایش به سر می برید و خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله را در شدّت و سختی گرفتار می نمایید .

الخَمَرِ والصَّرَاءِ ، وَنَصْبِرُ مِنكُم عَلى مِثلِ حَزِّ الْمُدى ، وَوَخْزِ السِّنانِ فِى الْحَشا ؛ وَأَنتُم تَزْعُمُونَ : أَنْ لا إِرثَ لَنَا ! ! « أَفَحُكْمَ الْجاهِلِيَّهِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللّهِ حُكْماً لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ »(1) أفلا تَعلَمون ؟ !

بَلى ؛ تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَهِ أنِّى ابْنَتُهُ ..

أَيُّها الْمُسلِمُون ! أَأُغْلَبُ عَلى إِرثِيَهْ ؟ !

يَابْنَ أَبِى قُحافَهَ ! أَفِى كِتابِ اللّهِ أَنْ تَرِثَ أَباكَ وَلاَ أَرِثَ أَبِى ؟ ! « لَقَدْ جِئْتَ شَيْئاً فَرِيّاً »(2) !

أَفَعَلى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللّهِ وَنَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ ؟ إِذْ يَقُولُ : « وَوَرِثَ سُلَيْمانُ دَاوُدَ »(3) .

وَقَالَ فِيمَا اقْتَصَّ مِنْ خَبَرِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيّا عليهماالسلام إِذْ قَالَ ربِّ « هَبْ لى مِن لَّدُنْکَ وَلِيّاً يَرِثُنى وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ »(4) .

وَقَالَ : « وَأُولُواْ الأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فى كِتابِ اللّهِ »(5) .

1- 1 . سوره المائده : 50 .
2- 2 . سوره مريم (19) : 27 .
3- 3 . سوره النمل (37) : 16 .
4- 4 . سوره مريم (19) : 5 _ 6 .
5- 5 . سوره الأحزاب (33) : 60 .

ما هم مانند کسی که با کارد و نیزه بدن او را بشکافند بر فتنه های شما صبر می کنیم تا در پیشگاه عدالت پروردگار وارد شویم .

شما گمان می کنید من از پدرم ارث نمی برم « این حکم را از دوران جاهلیّت گرفته اید چه کسی بهتر از خداوند حکم می نماید امّا برای کسانی که ایمان به خدا دارند » ، آیا نمی دانید که روز پاداشی هست .

ای مردم مانند آفتاب بر شما روشن است که من یگانه دختر پیغمبر خدا هستم و محمّد صلی الله علیه و آله پدر من است آیا سزاوار است که جاه طلبان بر من ستم نمایند وارث مرا بگیرند و شما ساکت بمانید .

آنگاه خطاب به ابوبکر نمود و فرمود :

ای پسر ابی قحافه آیا در کتاب خدا نوشته شده که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارث نبرم ؟ « عجب افترای بزرگی بر خدا بسته ای » آیا از روی عمد کتاب خدا را پشت سر نهاده ای و عمل به آن را ترک نموده ای ؟

خداوند در قرآن می فرماید که « سلیمان از داود ارث بُرد »

و آنجا که حکایت یحیی فرزند زکریّا را بیان می فرماید که زکریّا از خداوند درخواست نمود ای پروردگار « فرزندی به من عنایت فرما که از من و آل یعقوب ارث ببرد »

و آنجا که می فرماید : « خویشان رحمی بعضی بر بعضی مقدّم می باشند »

وَقَالَ : « يُوصِيكُمُ اللّهُ فى أَوْلادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الأُنْثَيَيْنِ »(1)4 . سوره الزمر (39) : 39 _ 40 .(2) .

وَقَالَ : « إِنْ تَرَكَ خَيْراً الْوَصِيَّهُ لِلْوالِدَيْنِ وَالأَقْرَبينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقّاً عَلَى الْمُتَّقينَ »(3) .

وَزَعَمْتُمْ أَلاّ حِظْوَهَ لِى وَلا إِرْثَ مِنْ أَبِى [صلى الله عليه و آله وسلم]؟ ! وَلاَ رَحِمَ بَيْنَنَا ! أَفَخَصَّكُمُ اللّهُ بِآيَهٍ أَخرَجَ مِنْهَا أَبِى صلى الله عليه و آله وسلم ؟ ! أَمْ هَلْ تَقُولُونَ : أَهْلُ مِلَّتيْنِ لاَ يَتَوارَثَانِ ؟ !

أَوَ لَسْتُ أَنَا وأَبِى مِنْ أَهْلِ مِلّهٍ وَاحِدَهٍ ؟ ! أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ القُرآنِ وَعُمُومِه مِنْ أَبِى وَابْنِ عَمِّى ؟ ! فَدُونَكُمَا مَخْطُوْمَهً مَرْحُولَهً ، تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ فَنِعْمَ الحَكَمُ اللّهُ ، وَالزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه و آله وسلم وَالْمَوْعِدُ القِيامهُ ، وَعِنْدَ السَّاعَهِ مَا تَخْسرُونَ ، وَلاَ يَنْفَعُكُم إِذْ تَنْدَمُونَ، وَ « لِكُلِّ نَبَأٍ مُسْتَقَرٌّ »(4) و « سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأتِيهِ عَذابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذابٌ مُقِيمٌ »(4) .

.. ثُمّ رمت بطرفها نحو الأنصار ، فقالت :

يَا مَعاشِرَ الفِتْيَهِ وَأَعْضادَ الْمِلَّهِ ، وَأَنْصَارَ الإِسْلامِ ! مَا هذِهِ

1- 1 . سوره النساء
2- : 11 .
3- 2 . سوره البقره (2) : 180 .
4- 3 . سوره الأنعام (6) : 67 .

همچنین می فرماید که « خداوند شما را درباره ی اولادتان وصیّت می کند که نصیب یک مرد دو برابر بهره ی یک زن می باشد » و پسر دو برابر دختر ارث می برد و همچنین خداوند می فرماید « که هنگام مرگ اگر مال و ثروتی از خود می گذارید وصیّت کنید برای پدر و مادر و خویشان وصیّت نیکویی و این حکم بر حقّ و ثابت است بر آنهائی که پرهیزکار هستند » .

آیا شما می گویید من از پدرم بهره و نصیبی ندارم و از پدر خود ارث نمی برم آیا خداوند برای شما آیه ای فرستاده که مرا از فرزندی پدرم خارج کرده ؟! یا می گویید اهل دو ملّت از یکدیگر ارث نمی برند آیا من و پدرم از اهل یک ملّت و آیین نیستیم ؟! آیا شما از پدرم و پسر عمّم علی به قرآن داناتر هستید ؟!

من اکنون شما را به حال خود گذاشته و داوری را در روز حشر به خدا واگذار می نمایم و خداوند حاکم بر حقّی است و بدانید محمّد صلی الله علیه و آله دادخواه من است وعده ی ما در قیامت در پیشگاه عدل الهی خواهد بود ، روزی که خطاکاران در زیان هستند و ندامت در آن روز سودی ندهد « برای هبر خبری جایگاهی هست » ؛ « و به زودی می فهمید که عذاب خوارکننده چه کسی را فراخواهد گرفت و عذاب جاودانی بر چه کسی می باشد » .

سپس انصار را مخاطب قرار داد و فرمود :

ای یاوران اسلام و حافظین حدود و احکام قرآن این چه سُستی است در حق من روا می دارید ؟!

الغَمِيزَةُ فِى حَقِّى، وَالسِّنَةُ عَنْ ظُلاَمَتِى ؟! أَمَا كَانَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله وسلم أَبِى يَقُولُ : «الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِى وُلْدِهِ» ، سَرْعانَ مَا أَحْدَثْتُمْ ، وَعَجْلاَنَ ذَا إِهالَةً ، وَلَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أُحاوِلُ ، وَقُوَّةٌ عَلَى مَا أَطْلُبُ وَأُزاوِلُ ، أَتَقُولُونَ : مَاتَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه و آله وسلم .. ؟ ! فَخَطْبٌ جَلِيلٌ اسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ ، وَاسْتَنْهَرَ فَتْقُهُ ، وَانْفَتَقَ رَتْقُهُ ، وَأَظْلَمَتِ الأَرْضُ لِغَيْبَتِهِ ، وَكُسِفَتِ النُّجُومُ لِمُصيبَتِهِ ، وَأَكْدَتِ الآمالُ ، وَخَشَعَتِ الجِبَالُ ، وَأُضِيعَ الحَرِيمُ ، وَأُزِيلَتِ الْحُرْمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ ، فَتِلْكَ _ وَاللَّهِ _ النَّازِلَةُ الكُبرى ، وَالْمُصِيبَةُ الْعُظْمى ، لاَ مِثْلُها نَازِلَةٌ ، وَلا بائِقَةٌ عاجِلَةٌ ، أَعْلَنَ بِها كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ثَناؤُه فِى أَفْنِيتِكُم .. فِى مُمْساكُمْ وَمُصْبَحِكُمْ ، هُتَافاً وَصُراخاً ، وتِلاوَةً وأَلْحاناً ، وَلَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِياءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ ، حُكْمٌ فَصْلٌ ، وَقَضَاءٌ حَتْمٌ « وَما مُحَمَّدٌ إِلاّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَّاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلى أَعْقابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِى اللّهُ الشَّاكِرِينَ »(1) .

أَيْهاً بَنِى قَيْلَةَ ! أَأُهْضَمُ تُراثَ أَبِى وَأَنْتُمْ بِمْرأىً مِنِّى وَمَسْمَعٍ ، ومُبْتَدٍ ومَجْمَعٍ ؟ ! تَلْبَسُكُمُ الدَّعْوَةُ ، وَتَشْمَلُكُمُ الخَبْرَةُ ، وَأَنْتُمْ

1- 1 . سوره آل عمران (3) : 144 .

این سهل انگاری شما در ظلم و ستمی که بر من رفته برای چیست ؟! آیا پدرم محمّد صلی الله علیه و آله رسول خدا نفرمود : هر کس را در فرزندش باید احترام نمود و احترام به فرزند احترام به پدر است ، امّا شما آنچه پدرم درباره ی من سفارش کرده بود چه زود فراموش نمودید ، شما قدرت دارید و می توانید از من حمایت کنید و آنچه از شما می خواهم بر آن توانا هستید ، آیا شما هم می گویید : دیگر محمّد صلی الله علیه و آله مرده است ؟

آری رحلت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله مصیبت بزرگی است که اثر آن در زمین و آسمان ظاهر و آشکار می باشد ، برای رحلت پیغمبر صلی الله علیه و آله زمین تاریک گردید و ستاره های آسمان از این مصیبت تیره گشت امیدها تبدیل به یأس و ناامیدی شد و کوه های عالم خاشع گردید و شما حقّ پیغمبر خدا را ضایع نمودید و احترامی به خاندان او نگذاشتید ، به خدا قسم این فاجعه بزرگی است که نازل شده و هرگز چنین مصیبتی به یاد نیاید و خداوند در کتاب خود از آن خبر داده است که شما آن را هر صبح و شام به جهر و اخفا می خوانید .

این سنّت ربوبی برای همه ی پیغمبران بوده است و این حکم حتمی و قطعی است قضائی غیرقابل انکار ، خداوند می فرماید : « محمّد صلی الله علیه و آله جز رسولی نبود و پیش از او هم پیغمبرانی آمده و در گذشته اند ، آیا اگر محمّد صلی الله علیه و آله بمیرد یا کشته شود شما از دین برمی گردید ، هر کس از دین برگردد و به آئین گذشتگان خود بپیوندد به خداوند ضرری نمی رساند و به زودی خداوند جزای شکرگزاران را عطا می فرماید » .

آنگاه طایفه اوس و خزرج را به نام مادرشان مخاطب ساخته و فرمود :

ای فرزندان قیله ، آیا سزاوار است که به ظلم و ستم ارث مرا ببرند و شما ناظر باشید و دادخواهی مرا بشنوید و ساکت بمانید شما صاحب افراد و اعداد و صاحب

ص: 36

ذا العَدَدِ وَالعُدَّهِ ، والأَداهِ وَالقُوَّهِ ، وَعِنْدَكُمُ السِّلاحُ وَالجُنَّهُ ، تُوَافِيكُمُ الدَّعْوَهُ فَلاَ تُجِيبُونَ ، وَتَأْتِيكُمُ الصَّرْخَهُ فَلاَ تُغِيثُونَ ، وأَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بالْكِفاحِ ، مَعْرُوفُونَ بِالخَيْرِ وَالصَّلاَحِ ، والنُّجْبَهُ الَّتى انْتُجِبَتْ ، وَالخِيَرَهُ الَّتى اخْتِيرَتْ .. قَاتَلْتُمُ العَرَبَ ، وَ تَحَمَّلْتُمُ الكَدَّ وَالتَّعَبَ ، وَنَاطَحْتُمُ الأُمَمَ ، وَكَافَحْتُمُ البُهَمَ ، فَلاَ نَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتَمِرُونَ ..

حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الإِسْلامِ ، وَدَرَّ حَلَبُ الأَيَّامِ ، وَخَضَعَتْ ثُغْرَهُ الشِّرْكِ ، وَسَكَنَتْ فَوْرَهُ الإِفْكِ ، وَخَمَدَتْ نِيرانُ الكُفْرِ ، وَهَدَأَتْ دَعْوَهُ الهَرْجِ ، وَاسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ ، فَأَنّى حِرْتُمْ بَعْدَ البَيَانِ ؟ وَأَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الإِعْلاَنِ ، وَنَكَصْتُمْ بَعْدَ الإِقدامِ ، وَأَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الإِيمانِ ؟ ..

« أَلاَ تُقاتِلُونَ قَوْماً نَكَثُوا أَيْمانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْراجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَؤُكُمْ أَوَّلَ مَرَّهٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ »(1) .

أَلا قَدْ أَرى أَنْ قَدْ أَخلَدْتُمْ إِلَى الخَفْضِ ، وَأَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَالقَبْضِ ، وَخَلَوْتُمْ بِالدَّعَهِ ، ونَجَوْتُمْ مِنَ الضِّيقِ بالسِّعَهِ

1- 1 . سوره التوبه (9) : 13 .

نیرو و ادوات جنگ و اسلحه می باشید ، من شما را به یاری می طلبم و شما مرا اجابت نمی کنید و از شما استمداد می خواهم و شما به فریاد من نمی رسید ، در حالی که شما به شجاعت و دلاوری موصوف و به نیکویی و صلاح معروف بودید ، شما برگزیدگان مسلمانان بودید و به خوبی ها شهرت داشتید .

شما را برای مقاتله با کافران انتخاب می نمودند و شما گردنکشان را از پای در می آوردید و هرگز از ما خاندان دوری نمی کردید و آنچه به شما فرمان می دادیم اطاعت می نمودید تا چرخهای پر برکت اجتماع مسلمین به حرکت درآمد و نخوت و شرک و ذلّت و نفاق از میان رفت و آتش کفر و شرک خاموش شد و دعوت بُت پرستی و هرج و مرج نابود گشت و نظام دین محکم و استوار گردید .

اکنون چه شده که در یک امر آشکار حیران مانده اید و حقیقت را پنهان نموده اید و پس از اقبال چرا از حقّ رو گردانیده اید و پس از ایمان چرا مشرک شده اید .

« آیا جنگ و پیکار نمی کنید با کسانی که عهد خود را شکستند و سعی و اهتمام به بیرون کردن رسول خدا نمودند و حال آنکه آنها در شکستن عهد پیشقدم شدند آیا از ایشان می ترسید ؟ اگر مؤمن باشید سزاوار است که از خدا بترسید » .

اکنون می بینم که شما به پستی گرائیده اید و از نعم الهی محروم شده اید و از آن کس که احق و شایسته تر از شما می باشد دوری نموده اید و با راحتی و تن آسائی

فَمَجَجْتُمْ ما وَعَيْتُمْ ، وَدَسَعْتُمُ الَّذِی تَسَوَّغْتُمْ ، فَ_ : « إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فی الْأَرْضِ جَمیعاً فَإِنَّ اللّهَ لَغَنِیٌّ حَمِیدٌ »(1) .

أَلا وَقَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ عَلَی مَعْرِفَهٍ مِنِّی بِالْخَذْلَهِ الَّتِی خَامَرَتْكُمْ ، وَالْغَدْرَهِ الَّتِی اسْتَشْعَرَتْهَا قُلُوبُكُمْ .. وَلَكِنَّها فَیْضَهُ النَّفْسِ ، وَنَفْثَهُ الغَیْظِ ، وَ خَوَرُ القَنا ، وَبَثَّهُ الصَّدْرِ ، وَتَقْدِمَهُ الحُجَّهِ ، فَدُونَكُمُوها فَاحْتَقِبُوهَا دَبِرَهَ الظَّهْرِ ، نَقِبَهَ الخُفِّ ، بَاقِیَهَ العَارِ ، مَوْسُومَهً بِغَضَبِ اللّهِ ، وَشَنَارِ الأَبَدِ ، مَوْصُولَهً بِ_ : « نَارِ اللّهِ الْمُوقَدَهِ الَّتی تَطَّلِعُ عَلَی الأَفْئِدَهِ »(2) ..

فَبِعَیْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ « وَسَیَعْلَمُ الَّذینَ ظَلَمُوا أَیَّ مُنْقَلَبٍ یَنْقَلِبُونَ »(3) .

وَأَنَا ابْنَهُ نَذِیرٍ لَكُمْ بَیْنَ یَدَیْ عَذَابٍ شَدِیدٍ ، فَ_ : « اعْمَلُوا .. إِنَّا عَامِلُونَ * وَانْتَظِرُوا إِنّا مُنْتَظِرُونَ »(4) .

* * *

1- 1 . سوره إبراهیم (14) : 8 .
2- 2 . سوره الهمزه (104) : 6 _ 7 .
3- 3 . سوره الشعراء (26) : 227 .
4- 4 . سوره هود (11) : 121 _ 122 .

خلوت کرده اید و از سختی سعادت انگیز به رفاهیّت شقاوت آمیز گرویده اید « اگر شما و همه ی اهل عالم کافر شوید خداوند غنی و بی نیاز است » .

ای مردم آنچه گفتیم می دانم که در شما اثری نخواهد داشت زیرا کناره گرفتن شما از ما با گوشت و پوست شما آمیخته شده و احساس می کنم که مکر و فریب و وسوسه شیطان دل های شما را فراگرفته است این آهی است از سینه پر دردمند من که آن را از دل بیرون افکنم و وظیفه ی خود را انجام دادم و حجّت را بر شما تمام نمودم .

اکنون این شتر خلافت را بگیرید و به ناحق غصب نمایید امّا بدانید که پای آن مجروح و پشت وی زخم و غبار ننگ آن همیشه بر شما باقی است این عمل غصب شما به غضب خدا پیوسته و این روش ناپسند شما به « آتش برافروخته ی الهی که بر دلها سر می زند » متصّل است خداوند می داند آنچه را که شما مرتکب می شوید .

« و به زودی ستمکاران آگاه شوند که به کدام مکان بازگشت می نمایند » .

ای مردم من دختر آن کسی هستم که شما را از عذاب قیامت بیمناک ساخت و می بینم عذابی سخت شما را احاطه نموده است « آنچه را که می خواهید عمل کنید و ما بر آنچه حقّ است عمل می نماییم . شما منتظر نتیجه ی عمل خود باشید و ما منتظر _ روز تشخیص حق از باطل و سعید از شقی _ خواهیم بود » .

* * *

ص: 41

یادداشت ها

اشاره

1 . منابع خطبه ی فدکیّه

2 . کتابنامه ی خطبه ی فدکیّه

3 . پیشینه ی فدک

4 . نمی از یم فضایل و مناقب صاحب فدک

5 . اشاره ای کوتاه به شرح حال مترجم

یادداشت اوّل

منابع خطبه ی فدکیّه

1 _ ابوالفضل احمد بن ابی طاهر ، مشهور به «ابن طیفور» متوفای 280 ه . آن را با سلسله اسنادش از طریق «زید بن علی بن الحسین علیه السلام » روایت کرده است.(1)

2 _ ابوبکر احمد بن عبد العزیز جوهری ، محدث پر آوازه ی قرن چهارم ، با سلسله اسنادش از عقیله العرب حضرت زینب سلام اللّه علیها روایت کرده است.(2)

3 _ ابن مردویه ، احمد بن موسی بن مردویه ی اصفهانی ، متوفای 410 ه . آن را با سلسله اسنادش از طریق عایشه روایت کرده است.(3)

4 _ سید مرتضی علم الهدی ، متوفای 436 ه . آن را با سلسله اسنادش از طرق مختلف روایت نموده است(4).

5 _ شیخ طوسی ، متوفای 460 ه . آن را با همان اسناد روایت کرده است(5).

1- 1 . ابن طیفور ، بلاغات النّساء ، ص 20 _ 26.
2- 2 . ابن ابی الحدید پس از ستایش فراوان از جوهری به عنوان : عالم ، محدّث ، کثیر الادب ، ثقه و پرهیزکار ؛ این خطبه را از کتاب «السقیفه و فدک» از جوهری روایت کرده است. [ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه ، ج 16 ، ص 211] و اربلی آن را از روی نسخه ی کهن «سقیفه» که در ربیع الآخر 322 ه . بر مؤلف قرائت شده ، روایت کرده است[اربلی ، کشف الغمه ، ج 2 ، ص 106] .
3- 3 . سید ابن طاووس آن را از کتاب «المناقب» ابن مردویه روایت کرده است [سید ابن طاووس ، الطرائف ، ص 409] .
4- 4 . سیّد مرتضی علم الهدی ، الشّافی فی الامامه ، ج 4 ، ص 69 _ 77.
5- 5 . شیخ طوسی ، تلخیص الشّافی ، ج 3 ، ص 139.

6 _ ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری _ امامی _ از بزرگان قرن پنجم هجری ، آن را با اسناد مختلف از طریق ابن عباس ، امام باقر علیه السلام حضرت زینب علیهاالسلام و عایشه روایت کرده است(1).

7 _ ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی ، از شخصیتهای برجسته ی قرن ششم ، آن را از طریق عبداللّه محض روایت کرده است. (2)

8 _ ابو المؤید ، موفق بن احمد مکی خوارزمی _ اخطب خوارزم _ متوفای 568 ه . آن را با سلسله اسناد خود از عایشه حدیث کرده است(3).

9 _ رضی الدین ، علی بن موسی _ ابن طاووس _ متوفای 664 ه . آن را از طریق ابن مردویه ، ابن ابی الحدید و جوهری روایت نموده است(4).

10 _ علی بن عیسی اربلی ، متوفای 693 ه . آن را از کتاب «السقیفه» از یک نسخه ی کهن ، که در سال 322 ه . بر مؤلّف قرائت شده ، روایت کرده است(5).

اگر بخواهیم همه ی منابع خطبه ی حضرت زهرا سلام اللّه علیها را نقل کنیم در این صفحات نمی گنجد ، و لذا به 10 مورد یاد شده بسنده می کنیم و یادآور می شویم که شیخ صدوق فرازهایی از آن را در علل الشرایع ، ابن ابی الحدید معتزلی قسمت اعظم آن را در شرح نهج البلاغه و متن کامل آن را علامه ی مجلسی از بیش از 10 طریق در بحار الانوار روایت کرده است(6).

1- 1 . طبری ، دلائل الامامه ، ص 109 _ 125.
2- 2 . طبرسی ، الاحتجاج ، ص 97 _ 108.
3- 3 . خوارزمی ، مقتل الحسین ، ج 1 ، ص 121 _ 123.
4- 4 . ابن طاووس ، الطرائف ، ص 409 _ 421.
5- 5 . اربلی ، کشف الغمه ، ج 2 ، ص 105 _ 118.
6- 6 . علامه مجلسی ، بحار الأنوار ، ج 29 ، ص 215 _ 333.

ص: 46

ص: 47

یادداشت دوم

کتابنامه ی خطبه ی فدکیّه

به جهت جایگاه خاص خطبه ی حضرت فاطمه سلام اللّه علیها که بعد از شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد النبی در محضر مهاجر و انصار ، به عنوان استیضاح خلیفه ایراد گردیده ، بر این خطبه شروح مستقل و ضمنی فراوان در کتب حدیثی ، ادبی و عقیدتی در طول قرون و اعصار نوشته شده ، که احصا کردن آن در این صفحات محدود ممکن نیست.

فی المثل ابن ابی الحدید معتزلی ، متوفای 656 ه . شرح مفصلی در شرح نهج البلاغه اش بر این خطبه نوشته است.(1) و علامه ی مجلسی در دائره المعارف بزرگ بحار الأنوار شرح گسترده ای نوشته ،(2) ولی ما در این بخش به کتاب شناسی بسیار فشرده ی کتابهایی می پردازیم که مستقلاً در شرح خطبه ی فدکیه به رشته ی تحریر در آمده است.(3)

1 _ أدب الزّهراء علیهاالسلام (عربی)

سید محمد جمال هاشمی (م : 1397 ه)

شرح خطبه ی فدکیه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام _ مخطوط _(4)

1- 1 . ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج 16 ، ص 210 _ 237.
2- 2 . علامه مجلسی ، بحار الانوار ، ج 29 ، ص 247 _ 333.
3- 3 . کتابهایی که در شرح هر دو خطبه نوشته شده ، در بخش دوم معرفی می شوند.
4- 4 . مؤلف در کتاب «الزهراء» چاپ بغداد ، ص 81 ، از آن نام برده است.

2 _ اسرار فدک (فارسی)

محمد باقر انصاری و سید حسین رجائی

نشر الهادی ، قم ، 1420 ه . 304 صفحه وزیری.

متن ، ترجمه ، سند و تحلیل خطبه ی فدکیه

3 _ إعلموا أنّی فاطمه علیهاالسلام (عربی)

عبدالحمید مهاجر

دار الکتاب و العتره ، بیروت ، 1413 ه . ده مجلّد ، 7600 صفحه وزیری

گسترده ترین شرح خطبه ی حضرت فاطمه سلام اللّه علیها.

4 _ بررسی خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام (فارسی)

محسن واعظ

بررسی نکات خطبه ی فدکیه _ مخطوط _

5 _ بررسی خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام و ترجمه ی آن (فارسی)

سید علی اکبر سجادی پور

ترجمه و بررسی خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام _ مخطوط _(1)

6 _ ترجمه ی خطبه ی فدک از بزرگ بانوی اسلام (فارسی)

1- 1 . انصاری زنجانی، حاج شیخ اسماعیل، فاطمه علیهاالسلام در آیینه ی کتاب، چاپ دلیل ما، قم، 1422 ه . ص 171.

احمد معصومی

چاپ تهران ، 1397 ه . 80 صفحه ی جیبی

7 _ ترجمه ی السحاب المطیر (فارسی)

سید حسن عباس موسوی نیشابوری کنتوری

شرح و ترجمه ی خطبه ی فدکیه _ مخطوط _(1)

8 _ تفسیر خطبه ی فاطمه الزهرا علیهاالسلام (عربی)

ابو عبداللّه ، احمد بن عبد الواحد بن احمد بزّاز ، مشهور به : ابن عبدون.

نجاشی مقدم رجالیون از آن نام برده.3

9 _ چهل حدیث در مناقب امّ أبیها و خطبه ی تاریخی آن حضرت (فارسی)

علی اکبر مهدی پور

انتشارات رسالت ، قم ، 1379 ش. 64 صفحه ی جیبی

متن و ترجمه ی خطبه ی فدکیه و 40 حدیث در مناقب حضرت فاطمه علیهاالسلام

10 _ حقیقت جاویدان (فارسی)

محمد باقر ملبوبی

انتشارات صدر ، تهران ، 1391 ه . 439 صفحه وزیری.

شرح قسمتی از خطبه ی فدکیه ، به عنوان جلد اول.

1- 1 . انصاری ، همان ، ص 207. 3 . نجاشی ، الرجال ، ص 87 ، رقم 211.

11 _ حماسه ی بزرگ (فارسی)

ناصر مکارم شیرازی

نشر انجمن محبّان الفاطمه ، مشهد ، 1406 ه . 104 صفحه رقعی.

متن ، ترجمه ، سند و شرح فرازهایی از خطبه ی فدکیه.

12 _ خطابه ی بزرگ بانوی اسلام (فارسی)

عبد رضی ربانی

ناشر : مؤلف ، 96 صفحه جیبی

متن و ترجمه ی خطبه ی فدکیه.

13 _ خطابه ی فاطمه ی زهرا علیهاالسلام (فارسی)

خلیل کمره ای (م : 1405 ه)

کتابخانه ی سقراط ، تهران ، 1367 ه . 133 صفحه ی وزیری

شرح خطبه ی فدکیه و تحلیل غصب فدک.

14 _ خطابه ی فدک (فارسی)

محمد باقر انصاری و سید حسین رجائی

نشر الهادی ، قم ، 1376 ش. 128 صفحه رقعی

متن، ترجمه، سند، شرح و کتابنامه ی خطبه ی فدکیه، گزیده ی کتاب «اسرار فدک»

15 _ خطبه ی آتشین بانوی اسلام (فارسی)

علی کاظمی

نشر ایمان ، قم ، 1365 ش. 85 صفحه ی رقعی.

ص: 51

ترجمه ی خطبه ی فدکیه

16 _ خطبه ی آتشین بانوی نمونه ی اسلام حضرت فاطمه علیهاالسلام (فارسی)

حسین عمادزاده (م : 1410 ه)

دفتر نشر ، قم ، 1391 ه . 76 صفحه ی وزیری

متن و ترجمه ی خطبه فدکیه ، صفحه مقابل.

17 _ خطبه ی تاریخی بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه علیهاالسلام (فارسی)

سید علی سید نژاد

نشر امور تربیتی منطقه ی 2 ، قم ، 1371 ش. 60 صفحه وزیری.

شرح خطبه ی فدکیه و دیگر خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام

18 _ خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام (فارسی)

غلامحسین حسین زاده _ مخطوط _(1)

19 _ خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام (فارسی)

عبدالرحمن انصاری

نشر انصار المهدی ، قم ، 1373 ش. 128 صفحه جیبی

متن و ترجمه ی خطبه ی فدکیه و دیگر خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام

20 _ خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام (فارسی)

1- 1 . انصاری ، همان ، ص 293.

سید ابوالفضل موسوی گرمارودی

متن و ترجمه ی خطبه ی فدکیه و دیگر خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام

21 _ خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام _ ویژه نوجوانان _ (فارسی)

کنگره ی بین المللی حضرت زهرا علیهاالسلام ، ساری ، 1376 ش. 60 صفحه جیبی

22 _ خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام (فارسی)

کریم کاظمی

نشر کوشا مهر ، شیراز ، 1379 ش. 175 صفحه رقعی

ترجمه ی منظوم خطبه ی فدکیه

23 _ خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام اصیل و جاودانه است (فارسی)

محمد علی شمشیری میلانی

انتشارات منشور ، تبریز ، 1373 ش. 106 صفحه رقعی

سند و اصالت خطبه و پاسخ به یاوه سرایی های برخی از کج اندیشان (یوسف شعار).

24 _ خطبه ی حضرت فاطمه ی زهرا علیهاالسلام (فارسی)

اداره ی ارشاد اسلامی شرق تهران ، 25 صفحه رقعی.

متن ، ترجمه و منابع خطبه فدکیه.

25 _ خطبه ی حضرت فاطمه ی زهرا علیهاالسلام (فارسی)

شیخ حسینعلی منتظری

نشر بلاغت ، قم ، 1374 ش. 344 صفحه وزیری.

متن ، ترجمه ، شرح و اثبات خطبه ی فدکیه و دیگر خطبه ی حضرت

26 _ خطبه ی حضرت فاطمه ی زهرا علیهاالسلام (اردو)

شیخ حسینعلی منتظری

ترجمه ی عنوان بالا به زبان اردو ، 1996 م. 376 صفحه وزیری.

27 _ خطبه الزهراء علیهاالسلام (اردو)

محمد تقی خان حیدر آبادی

چاپ حیدر آباد ، هند

ترجمه ی خطبه ی فدکیه به اردو

28 _ خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

از مؤلف ناشناخته

39 صفحه رقعی.

متن و تعلیقات و مقدمه ای تحت عنوان : نقش حضرت زهرا در ادای رسالت.

29 _ خطبه الزهراء علیهاالسلام (فارسی)

محمد رضا انصاری

ترجمه ی عنوان بالا ، چاپ قم ، 1361 ش. 80 صفحه رقعی

30 _ خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

تنظیم و نشر مؤسسه ی البلاغ ، بیروت ، 1410 ه

31 _ خطبه الزهراء علیهاالسلام (فارسی)

تنظیم و نشر مؤسسه ی فاطمیه ی سمنان ، 1407 ه . 40 صفحه رقعی

متن ، ترجمه ، اسناد و منابع.

32 _ خطبه الزهراء علیهاالسلام و قصتها (عربی)

جمعی از فضلای نجف اشرف

نشر دار الأضواء ، بیروت ، 1417 ه . 54 صفحه جیبی

متن تحقیق شده ی خطبه ی فدکیه ، با تعلیقات

33 _ خطبه الصدیقه الکبری فاطمه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

از مؤلفی ناشناخته ، بیروت ، 1416 ه . 44 صفحه رقعی.

متن و شرح مفردات خطبه ی فدکیه و دیگر خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام

34 _ خطبه ی فاطمه زهرا علیهاالسلام (عربی)

از مؤلف ناشناخته _ قرن 11 _

نسخه ی خطی ، در 15 ورق(1).

35 _ خطب فاطمه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

حلم حائری

1- 1 . عربزاده ، فهرست نسخه های خطی کتابخانه ی آیه اللّه گلپایگانی ، ج 1 ، ص 285 ، به شماره ی 32/46 و 32/66.

چاپ نجف ، 24 صفحه جیبی

36 _ خطبه ی فدک (فارسی)

علی فصیحی

نشر هوشیار ، مشهد ، 1376 ش. 72 صفحه جیبی

متن ، ترجمه و منابع خطبه با شرح وضع جغرافیائی فدک

37 _ خطبه ی فدک حضرت فاطمه ی زهرا علیهاالسلام (فارسی)

تنظیم و نشر منیر ، تهران ، 1374 ش.

48 صفحه رقعی

متن و ترجمه ی صفحه مقابل خطبه ی فدکیه و دیگر خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام

38 _ خطبه ی فدکیه ی حضرت زهرا علیهاالسلام (فارسی)

محمد روحانی علی آبادی

متن و ترجمه ی خطبه ی فدکیه ، از 60 منبع شیعه و اهل سنت _ مخطوط _(1)

39 _ الخطبه الفدکیه و شرحها (عربی)

از مؤلف ناشناخته

متن و شرح فرازهای خطبه _ مخطوط _

40 _ خطبه ی منظومه ی حضرت زهراء علیهاالسلام (فارسی)

1- 1 . انصاری ، همان ، ص 301.

سید رضا آل یاسین

ترجمه ی منظوم خطبه ی فدکیه _ مخطوط _

41 _ خطبه ی منظومه ی ملکه اسلام فاطمه ی زهرا علیهاالسلام (فارسی)

محمد افتخاری ساوجی

ترجمه ی خطبه ی فدکیه به نظم ، 1354 ش . 16 صفحه جیبی

42 _ خطبه و اشک (فارسی)

محمد لک علی آبادی

تحلیلی پیرامون خطبه ی فدکیه ، 80 صفحه ی رقعی

43 _ الدّره البیضاء فی شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

سید محمد تقی رضوی قمی (م : 1344 ه .)

کتابفروشی علمی ، تهران ، 1354 ه . 190 صفحه ی خشتی .

متن ، شرح ، سند خطبه و تاریخچه ی فدک

44 _ رخساره ی خورشید (فارسی)

محمد تقی خلجی

نشر میثم تمار ، قم ، 1379 ش. 437 صفحه ی وزیری

شرح خطبه و بیان اسناد و منابع آن

45 _ الزّهراء و خطبه فدک (عربی)

علامه ی مجلسی ، مولی محمد باقر (م : 1110 ه .)

تقدیم ، تحقیق و تکمیل محمد تقی شریعتمداری

نشر دار گلستان کوثر ، تهران ، 1423 ه . 255 صفحه وزیری.

متن ، شرح ، اسناد و منابع خطبه ی فدکیه و دیگر خطبه ی حضرت .

46 _ السّحاب المطیر (عربی)

سید حسن عباس موسوی نیشابوری کنتوری

شرح خطبه ی فدکیه _ مخطوط _(1)

47 _ سخنان برترین بانو (انگلیسی)(2)

جلیل سید ابراهیمی

نشر ثار اللّه ، تهران ، 1379 ش. 60 صفحه ی رقعی .

48 _ سخنرانی حضرت فاطمه علیهاالسلام در مسجد پیامبر اکرم علیه السلام (فارسی)

علیرضا اللهیاری

نشر انجام کتاب ، تهران ، 1367 ش. 488 صفحه وزیری.

شرح فرازهای خطبه به تفصیل.

49 _ سخنرانی فاطمه علیهاالسلام جلوه گاه ایده آل اسلامی (فارسی)

توران انصاری

رسالت قلم ، تهران ، 1360 ش. 88 صفحه جیبی

1- 1 . همان ، ص 390.
2- 2 . The Speech of Supreme lady

50 _ سوگنامه ی فدک (فارسی)

سید محمد تقی نقوی

نشر جلیل ، تهران ، 1414 ه . 631 صفحه وزیری

شرح تفصیلی خطبه ی فدکیه

51 _ سیری مختصر در ماجرای غم انگیز فدک (فارسی)

سید اصغر محمود آبادی

300 صفحه ی وزیری

شرح خطبه فدکیه

52 _ شرح خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام (فارسی)

سید عز الدّین حسینی زنجانی

چاپ دفتر تبلیغات اسلامی ، قم

836 صفحه ی رقعی (دو جلد)

شرح تحلیلی و بیان نکات و دقایق خطبه ی فدکیه

53 _ شرح خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام (فارسی)

سید احمد بن عطاء اللّه امامی (م : 1414 ه .)

شرحی گسترده ، ولی _ مخطوط _

54 _ شرح خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام (فارسی)

الیاس شریفی اشکوری

چاپخانه ی اسلام ، قم ، 1405 ه .

ص: 59

64 صفحه رقعی

55 _ شرح خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام (اردو)

سید حسن نقوی لکهنوی

چاپ هند.

56 _ شرح خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام (فارسی)

سید علی اکبر برقعی (م : 1407 ه .)

شرح خطبه ی فدکیه _ مخطوط _ (1)

57 _ شرح خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام (فارسی)

احمد ارجمند اردبیلی

شرح گسترده ی خطبه ی فدکیه و دیگر خطبه ی حضرت ، در دو مجلد _ مخطوط _

58 _ شرح خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام (فارسی)

احمد مدرس وحید ، مشهور به : حاج میرزا آقا باغمیشه ای (م : 1404 ه .)

چاپخانه ی علمیه ، تبریز ، 1348 ش. 439 صفحه ی وزیری.

شرح مزجی ، ادبی و تاریخی خطبه ی فدکیه.

59 _ شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

سید ابوالقاسم بن حسن حسینی موسوی

1- 1 . جواهر کلام ، تربت پاکان قم ، ج 2 ، ص 373.

شرح خطبه ی فدکیه _ مخطوط _(1)

60 _ شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

سید ابوالقاسم جعفر کبیر ، بن حسین خوانساری (م : 1158 ه .)

شرح خطبه ی فدکیه _ مخطوط _(2)

61 _ شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

از مؤلف ناشناخته

شرح واژه های مشکل خطبه _ مخطوط _(3)

62 _ شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

فضل علی ، بن ملاّولی اللّه شریعت قزوینی (م : 1367 ه .)

در شرح خطبه فدکیه ، موسوم به : «شرح خطبه اللّمّه» _ مخطوط _(4)

63 _ شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

سید علی اکبر بن محمد جعفر حسنی حسینی یزدی (م : حدود 1288 ه .)

شرح خطبه ی فدکیه _ مخطوط _(5)

64 _ شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

1- 1 . استادی ، فهرست هزار و پانصد نسخه ی آستان قدس رضوی ، ش 567.
2- 2 . اشکوری ، تلامذه العلامه المجلسی ، ص 19 رقم 16.
3- 3 . ثقه الاسلام تبریزی ، مرآت الکتب ، ج 2 ، ص 206.
4- 4 . جلالی ، سید محمد جواد ، فهرس التّراث ، ج 2 ، ص 380.
5- 5 . کحاله ، معجم المؤلّفین ، ج 7 ، ص 40.

سید محمد حسن بن محمد مهدی موسوی شوشتری _ ق 14 _

شرح خطبه ی فدکیه _ مخطوط _(1)

65 _ شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

سید محمد سعید _ حفید صاحب عبقات _

شرح خطبه ی فدکیه _ مخطوط _(2)

66 _ شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

هادی بنابی (ق 13)

شرح خطبه ی فدکیه ، موسوم به «شرح خطبه اللّمّه» _ مخطوط _(3)

67 _ شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (فارسی)

از مؤلف ناشناخته ، چاپ نجف اشرف(4).

68 _ شرح خطبه سیدتنا الزهراء فی مسجد النبی بالمدینه المنوره (عربی)

محمد مهدی مراغی حائری _ بنابی _

پیرامون سند و منابع خطبه ی فدکیه

69 _ شرح خطبه الصدیقه فاطمه الزهرا علیهاالسلام (عربی)

1- 1 . تهرانی ، نقباء البشر ، ج 1 ، ص 444.
2- 2 . میلانی ، نفحات الأزهار ، ج 1 ، ص 149.
3- 3 . تهرانی ، الذریعه ، ج 13 ، ص 225.
4- 4 . خانبابا مشار ، فهرست کتابهای چاپی فارسی ، ج 2 ، ص 2119.

محمد طاهر آل شبیر خاقانی (م : 1406 ه .)

نشر انوار الهدی ، قم ، 1412 ه .

270 صفحه ی وزیری

بخش اول کتاب به قلم مؤلف و بخش تکمیلی آن به قلم فرزند برومندش محمد کاظم خاقانی است.

70 _ شرح خطبه فاطمه ی زهرا علیهاالسلام (فارسی)

بنیاد فرهنگی فاطمه الزهرا علیهاالسلام ، تهران

71 _ شرح خطبه فاطمه ی الزهرا علیهاالسلام و أسبابها (عربی)

نزیه قمیحه

نشر الوفاء ، بیروت ، 1405 ه . 192 صفحه وزیری

72 _ شرح خطبه ی فدک (فارسی)

محمد تقی شریعتمداری

نشر منیر ، تهران ، 1379 ش. 94 صفحه رقعی

73 _ شرح خطبه ی فدک (فارسی)

سید محمد تقی قائنی خراسانی

74 _ شرح الخطبه الکبیره للزّهراء البتول (عربی)

مسلم جابری (م : 1374 ه)

چاپ نجف ، 24 صفحه جیبی

75 _ شرح خطبه اللّمّه (عربی)

محمد نجف کرمانی مشهدی (م : 1292 ه .)

شرح خطبه ی فدکیه _ مخطوط _(1)

76 _ شرح خطبه اللّمّه (اردو)

سید علی محمد بن دلدار علی نقوی لکهنوی (م : 1312 ه .)

چاپ هند.(2)

77 _ شرح خطبه اللّمه لسیّده النّساء فاطمه الزّهراء علیهاالسلام (عربی)

از مؤلف ناشناخته _ مخطوط _(3)

78 _ صدای فاطمی فدک (فارسی)

محمد باقر انصاری ، سید حسین رجائی

نشر دلیل ما ، قم ، 1382 ش .

84 صفحه رقعی

متن عربی ، ترجمه ، تحقیق در متن و سند خطبه ی فدکیه.

79 _ غیرت عشق (فارسی)

بنیاد فرهنگی فاطمه الزهراء علیهاالسلام

1- 1 . بغدادی ، هدیه العارفین ، ج 2 ، ص 380.
2- 2 . مدرس خیابانی ، ریحانه الأدب ، ج 1 ، ص 319 .
3- 3 . انصاری ، همان ، ص 431.

نشر بنیاد ، تهران ، 1380 ش. 31 صفحه رقعی

متن و ترجمه ی مصحّح خطبه ی فدکیه

80 _ فاطمه علیهاالسلام و فدک (فارسی)

محمد حسین ضیائی بیگدلی

نشر دار العلم ، قم ، 1380 ش. 160 صفحه رقعی.

شرح خطبه ی فدکیه

81 _ فریاد فاطمه علیهاالسلام (فارسی)

تنظیم و نشر دفتر مطالعات دینی زنان

82 _ فریاد یک انقلاب (فارسی)

محمد یوسف حریری

نشر بدر ، تهران ، 1354 ش. 126 صفحه

تحلیل خطبه ی فدکیه.

83 _ قطره ای از دریا (فارسی)

علی ربانی گلپایگانی

نشر مدرسه ی حجتیه ، قم ، 1410 ه . 173 صفحه خشتی

شرح کوتاهی بر خطبه ی فدکیه

84 _ کشف المحجّه فی شرح خطبه اللّمه (عربی)

سید عبداللّه شبّر (م : 1242 ه)

نسخه ی خطی آن در کتابخانه ی شوشتری های نجف اشرف موجود است(1).

85 _ کلام فاطمه فی فدک (عربی)

ابوالفرج ، علی بن حسین اصفهانی ، صاحب «الأغانی» (م : 356 ه)

شرح خطبه ی فدکیه _ مخطوط _(2)

86 _ کلمه الزّهراء (عربی)

سید عباس مدرسی

نشر عاشورا ، قم ، 1414 ه . 128 صفحه رقعی

خطبه ی فدکیه به صورت منظوم

87 _ لؤلؤ لالا ، در تاریخ و خطبه ی حضرت زهراء علیهاالسلام (فارسی)

سید علی اکبر برقعی قمی (م : 1407 ه)

تحت عنوان شرح خطبه ی حضرت فاطمه گفته شد _ مخطوط _

88 _ اللمعه البیضاء فی شرح خطبه الزهراء علیهاالسلام (عربی)

محمد علی انصاری قراچه داغی (م : 1310 ه)

نشر الهادی ، قم ، 1418 ه . 912 صفحه وزیری

شرحی گسترده بر خطبه ی فدکیه

1- 1 . کشمیری ، تکلمه نجوم السماء ج 1 ، ص 451.
2- 2 . تهرانی ، الذریعه ، ج 18 ، ص 109.

89 _ لمعه الضیاء فی شرح خطبه الزهرا علیهاالسلام (عربی)

از مؤلف ناشناخته

چاپ سنگی

90 _ متن کامل خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام (فارسی)

حسین عماد زاده (م : 1410 ه)

نشر کانون شریعت ، تهران ، 1373 ش. 55 صفحه رقعی

متن ، ترجمه و شرح کوتاه خطبه ی فدکیه

91 _ مروری بر خطبه ای کم نظیر از بانویی بی همتا (فارسی)

احمد بهشتی

سازمان تبلیغات اسلامی ، تهران ، 1369 ش. 24 صفحه رقعی.

92 _ من فقه الزّهراء علیهاالسلام (عربی)

سید محمد حسینی شیرازی (م : 1422 ه .)

جلد دوم : دار الصادق ، بیروت ، 1419 ه . 480 صفحه ی وزیری.

جلد سوم : دار المهدی ، اصفهان ، 1421 ه . 416 صفحه ی وزیری.

جلد چهارم : مؤسسه المجتبی ، بیروت ، 1428 ه . 486 صفحه ی وزیری.

جلد پنجم : نشر رشید ، اصفهان ، 1428 ه . 592 صفحه ی وزیری.

آیه اللّه شیرازی جلد دوم تا پنجم از دائره المعارف «من فقه الزهراء» علیهاالسلام را به تحلیل خطبه ی فدکیه از دیدگاه تشریع اسلامی اختصاص داده ، بُعد تازه ای از ابعاد شخصیت والای صدیقه ی طاهره سلام اللّه علیها را فرا

روی پژوهشگران فرهنگ فاطمی گشوده است(1).

ص: 68

1- 1 . مرحوم آیه اللّه شیرازی 1 جلد اوّل دائره المعارف بزرگ « من فقه الزّهراء » علیها السّلام را به شرح حدیث کساء و مجلدات بعدی (دوم تا پنجم) را به شرح خطبه ی فدکیه اختصاص داده ، صدها حکم فقهی از دریای بیکران معارف حضرت فاطمه علیهاالسلام استخراج نموده ، در 1974 صفحه ی وزیری ثبت کرده است .

یادداشت سوم

فدک در گذر تاریخ

بر اساس نویدهای شفّاف تورات ، قوم یهود از طلوع خورشید اسلام از افقِ مکه آگاه بودند و می دانستند که نور محمّد صلی الله علیه و آله از « جبلِ فاران » خواهد درخشید .(1) بشارت های تورات درباره ی پدیدار شدن امّتی عظیم از تبار حضرت ابراهیم ، از نسل اسماعیل و اقامت هاجر در « صحرای فاران » بسیار صریح بود .(2)

از این رهگذر ، قوم یهود پس از شناسایی نیاکان پیامبر و ناکام ماندنشان در ترور آنان ، درصدد برآمدند که در برابر پیشرفت اسلام سدهای مستحکمی ایجاد کنند و مطمئن شوند که نور اسلام به سرزمین قدس شریف نخواهد تابید و آنها در تأسیس پایتخت دولت جهانشمول یهود در سرزمین فلسطین موفق خواهند شد . از این رهگذر تعدادی خاکریز بین مکه و قدس ایجاد کردند که مهم ترین آنها به قرار زیر است :

1 . یثرب 2 . بنی قریضه 3 . بنی مصطلق 4 . بنی نظیر 5 . خیبر 6 . تبوک 7 . موته .

سپاه اسلام در عهد رسالت ، تا موته پیش رفتند و لشگر اسامه به فرمان آن حضرت به سوی قدس گسیل شد که با کارشکنی منافقان

1- 1 . کتاب مقدس ، عهد قدیم ، سفر تثینه ، فصل 33 ، فراز 2 ؛ حبقوق نبی ، فصل 3 ، فراز 3 ، انجمن پخش کتب مقدسه ، لندن ، 1904 م .
2- 2 . همان ، سفر پیدایش ، فصل 21 ، فراز 18 _ 21 .

عقیم ماند .

با مهاجرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به یثرب ، خاکریز اول به راحتی فتح گردید .

یهود بنو قریضه ، بنو نضیر و بنو قینقاع ، که محور شرارت در منطقه بودند، به محضر آن حضرت رسیده ، از محتوای دعوتش پرس وجو کردند .

پیامبر خدا در پاسخ فرمود :

من به سوی خداوند یکتا و رسالت خویش فرامی خوانم ، شما در تورات نشانه های مرا خوانده اید و دانشمندانِ شما به شما خبر داده اند که من از مکّه خروج کرده ، به سوی حَرّه (یثرب) هجرت می کنم .

گفتند : ما این ها را شنیده ایم ، ولی اکنون می خواهیم پیمان صلح امضا کنیم .

سرانجام پیمان عدم تعرّض بسته شد که علیه پیامبر و یاران آن حضرت با دست ، زبان ، سلاح ، در نهان یا آشکار ، اقدامی نکنند .(1) آنگاه گروهی از آنها به مکّه رفتند و در برابر بتها سجده کردند تا اعتماد مشرکان را به خود جلب کنند .(2)

با تحریک یهود، قریش آماده ی نبرد شدند و نامه ی تهدیدآمیزی از سوی ابوجهل به سوی پیامبر فرستاده شد و مقدّمات جنگ بدر فراهم گردید.(3)

پس از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، یهودیان به مکه رفتند و بر کشته های مشرکان اشک ریختند و مقدّمات جنگ احد را فراهم ساختند .

نخستین شورش یهود علیه مسلمانان توسّط « بنو قینُقاع » از داخلِ

1- 1 . طبرسی ، اعلام الوری ، ج 1 ، ص 157 ، مؤسسه آل البیت ، قم 1417 ق .
2- 2 . شیخ طوسی ، تفسیر تبیان ، ج 3 ، ص 223 ، دار احیاء التراث العربی ، بیروت .

3- 3 . واقدی ، المغازی ، ج 1 ، ص 180 ، اعلمی ، بیروت ، 1409 ق .

مدینه آغاز شد . پیامبر خدا آنان را به مدّت 15 روز در محاصره نگه داشت ، سپس کوچ داد .(1) آنگاه « بنی نضیر » اعلان جنگ کردند و سپاه اسلام آنها را نیز محاصره کرده و وادار به تسلیم نمودند . سپس ابوسفیان یهود « بنی قُرَیضه » را تحریک کرده ، قول همکاری دادند و جنگ خندق را پیش آوردند .

پس از جنگ خندق ، پیامبر خدا دستور داد قلعه های آنها را نیز محاصره کرده ، وادار به تسلیم نمودند .(2)

پس از شکست بنوقریضه ، یهود خیبر همپیمانان خود را فراخوانده ، مهیّای حمله به مدینه شدند . آنها به قلعه های مستحکم خود مغرور بودند و قلعه های خود را دژهای نفوذناپذیر می پنداشتند .

یهود خیبر شش قلعه داشتند که محکم ترین آنها « قموص » بود و مرحب خیبری در آن اقامت داشت .

000/20 جنگجو در خیبر مهیّای حمله بودند که مسلمانان آنها را به محاصره ی خود درآوردند . هر روز یکی از اصحاب مسؤولیّت حمله را برعهده می گرفت و ناکام برمی گشت ، تا اینکه پیامبر فرمود : فردا پرچم را به دست کسی می سپارم که خدا و پیامبر را دوست دارد ، خدا و پیامبر نیز او را دوست دارند . او حمله می کند و فتح نکرده برنمی گردد .

آن روز پرچم را به دست امیرمؤمنان داد ، او در یک حمله ، قلعه را گشود و درِ خیبر را سپر قرار داد و سپس از آن پل ساخت و سرانجام چهل ذراع به کنار پرتاب کرد و مرحب خیبری را از پای درآورد و خیبر

1- 1 . همان ، ص 374 .
2- 2 . ابن هشام ، السّیره النّبویه ، ج 4 ، ص 195 ، دار الجیل ، بیروت .

را فتح نمود .(1)

هشت نفر تلاش کردند که آن را جابه جا کنند ولی نتوانستند .(2)

پس از فتح خیبر ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرچمی فراهم ساخت و فرمود : چه کسی برای این پرچم داوطلب می شود ؟

زبیر گفت : من ، فرمود : دور شو .

سعد بن عباده گفت : من ، فرمود : دور شو .

آنگاه فرمود : علی جان ! این پرچم را بردار و به سوی قلعه ی « فدک » برو.

چون خبر دلاوری امیرمؤمنان علیه السلام در منطقه پیچید و آوازه ی خیبر و قتل مرحب به گوش اهالی فدک رسید ، آنها در خود یارای مقاومت ندیدند و پیشنهاد صلح کردند . امیرمؤمنان علیه السلام فدک را در برابر حفظ خون اهالی فدک پذیرفت .(3)

بدینسان فدک بدون جنگ و خون ریزی در اختیار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفت و لذا خالصه ی پیامبر بود ؛ چنانکه همه ی مفسّران ، محدّثان و مورّخان بر آن تصریح کرده اند .(4)

* * *

1- 1 . یعقوبی ، التّاریخ ، ج 2 ، ص 46 ، حیدریه ، نجف اشرف ، 1384 ق .
2- 2 . ابن هشام ، السّیره النّبویه ، ج 4 ، ص 306 .
3- 3 . طبرسی ، اعلام الوری ، ج 1 ، ص 209 .
4- 4 . ابن شبه ، تاریخ المدینه المنوّره ، ج 1 ، ص 193 ، دارالفکر ، قم ، 1410 ق ؛ بلاذری ، فتوح البلدان ، ص 27 ، محمّدعلی بیضون ، بیروت ، 1420ق ؛ ابن هشام ، السّیره النّبویه ، ج 4 ، ص 326 ؛ طبری ، تاریخ الأمم والملوک ، ج 2 ، ص 498 ، اعلمی ، بیروت ، 1418 ق ؛ ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج 16 ، ص 210 ، عیسی البابی ، قاهره ، 1926 م ؛ ذهبی ، تاریخ الاسلام ، ج 2 ، ص 422 ، دارالکتاب ، بیروت ، 1410 ق .

پس ، آیاتی از قرآن نازل شد و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مأموریّت یافت که آن را به حضرت فاطمه علیهاالسلام عطا کند . از اینرو ، دخت گرامی اش را فراخواند و فدک را به او عطا کرد و به امیرمؤمنان علیه السلام فرمان داد که قباله ی فدک را به عنوان « نِحله » به نام حضرت فاطمه بنویسد .(1)

سرگذشت فدک در پرتو آیات :

براساس روایات شیعه و سنّی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام ، آیات فراوانی در قرآن کریم به داستان فدک مربوط است و حضرت فاطمه علیهاالسلام در خطبه ای که به عنوان استیضاح دولت وقت ایراد کرد ، به برخی از آنها استدلال نمود :

1 . « وَآتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ » ؛ « حقّ « ذِی الْقُرْبی » را بپرداز » .(2)

بسیاری از محدّثان ، مفسّران و مورّخان اهل سنّت این آیه را به داستان فدک تفسیر کرده اند ؛ از آن جمله اند :

الف) حافظ عبیداللّه حسکانی ، از علمای بزرگ اهل تسنّن در قرن پنجم هجری در ذیل این آیه ی شریفه ، با سلسله اسنادش به شش طریق از « ابوسعید خُدری » روایت کرده که گفت :

« لَمّا نَزَلَتْ : « وَآتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ » دَعا رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله فاطِمَهَ فَأعْطاها فَدَکاً » .

1- 1 . قطب راوندی ، الخرائج ، ج 1 ، ص 112 ، مؤسّسه الامام المهدی ، قم 1409 ق .
2- 2 . سوره ی اِسراء (17) : 26 .

چون این آیه نازل شد پیامبر خدا فاطمه را فراخواند و فدک را به او عطا کرد .(1)

ب) آنگاه با سلسله اسنادش از امیرمؤمنان علیه السلام نیز به همین تعبیر روایت کرده است .(2)

ج) حافظ ابن کثیر (متوفّای 774 ق .) نیز با سلسله اسنادش از ابوسعید به همان تعبیر نقل کرده است .(3)

د) حافظ جلال الدین سیوطی (متوفّای 911 ق .) در تفسیر این آیه از بزّار ، ابویعلی ، ابن ابی حاتم و ابن مردویه نقل کرده که با سلسله اسنادشان از ابوسعید خدری روایت کرده اند که گفت :

« چون این آیه نازل شد ، پیامبر خدا فاطمه را فراخواند و فدک را به او عطا کرد » .(4)

ه) امام ثعلبی (متوفّای 427 ق .) بدون اشاره به فدک می نویسد :

برخی گفته اند : منظور از « ذَا القُربی » خویشاوندان پیامبرند .(5)

آنگاه از امام سجاد علیه السلام روایت کرده که به مردی از اهل شام فرمود : آیا این آیه را در سوره ی بنی اسرائیل خوانده ای ؟ پرسید : آیا شما از خویشاوندان

1- 1 . حَسکانی ، شواهد التّنزیل ، ج 1 ، ص 438 ، ح 467 _ 472 ، چاپ وزارت ارشاد ، تهران ، 1411 ق .
2- 2 . همان ، ص 442 ، ح 473 .
3- 3 . ابوالفداء ، تفسیر القرآن العظیم ، ج 3 ، ص 35 ، المکتبه العصریّه ، بیروت ، 1422 ق .
4- 4 . سیوطی ، الدّر المنثور ، ج 4 ، ص 477 ، چاپ کتابخانه ی آیه اللّه مرعشی ، قم ، 1404 ق . افست چاپ مصر .
5- 5 . ثعلبی ، الکشف والبیان ، ج 6 ، ص 95 ، دار احیاء التراث ، بیروت ، 1422 ق .

پیامبر هستید که خداوند امر فرموده حق آنها ادا شود ؟ فرمود : آری .(1)

و) امام فخر رازی (متوفّای 606 ق .) می نویسد : در مورد مخاطبِ این آیه دو قول است ؛ قول نخست این است که :

این آیه خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است . خداوند به آن حضرت فرمان داد که حقوق خویشاوندان را از فَی ء و غنیمت عطا فرماید .(2)

ز) قرطبی (متوفّای 671 ق .) می نویسد : امام زین العابدین علیه السلام فرمود :

منظور از ذوی القربی خویشاوندان پیامبر هستند که خداوند امر کرده حقوق آن ها از بیت المال داده شود ؛ یعنی از سهم ذوی القربی از جنگ و غنایم جنگی . پس والیانِ امر و جانشینان آنها ، به این امر مخاطب می باشند .(3)

ح) بیضاوی (متوفّای 791 ق .) نیز گوید :

گفته شده که منظور از « ذوی القربی » خویشاوندان پیامبر هستند .(4)

محدّثان ، مفسّران و مورّخان شیعه ، متّفق القول اند که این آیه درباره ی فدک نازل شده و اکنون اشاره ای کوتاه ، به برخی از آنها :

الف) فرات کوفی ، از رجال برجسته ی عصر غیبت صغری ، با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام روایت کرده : هنگامی که آیه ی « وَآتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ » نازل شد ، پیامبر فدک را به فاطمه عطا کرد . ابان بن تغلب پرسید : پیامبر خدا آن را عطا کرد ؟ فرمود : بلکه خداوند آن را به فاطمه

1- 1 . همان .
2- 2 . فخر رازی ، التفسیر الکبیر ، ج 20 ، ص 193 .
3- 3 . قرطبی ، الجامع لأحکام القرآن ، ج 10 ، ص 247 ، دار احیاء التراث ، بیروت ، 1966 م .

4- 4 . بیضاوی ، انوار التّنزیل ، ج 2 ، ص 298 ، دارالرّشید ، بیروت ، 1421 ق .

عطا فرمود .(1)

علی بن ابراهیم قمی تصریح کرده که این آیه در حق حضرت فاطمه علیهاالسلام نازل شده و فدک را از آنِ او قرار داده است .(2)

ب) عیاشی (متوفّای 320 ق .) از امام صادق علیه السلام روایت کرده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فدک را وقف کرده بود ، پس این آیه نازل شد و پیامبر آن را به فاطمه عطا کرد .(3)

سپس از عطیّه ی کوفی نقل کرده که چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خیبر را فتح کرد ، خداوند فدک را فیْ ء آن حضرت قرار داد . پس این آیه نازل شد و پیامبر فرمود :

« یَا فَاطِمَهُ لَکِ فَدَک » ؛ « ای فاطمه فدک از آن توست » .(4)

ج) شیخ طوسی نیز به تفصیل نقل کرده که پس از نزول آیه ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه را فراخواند و فدک را به او عطا کرد و کارگزاران فاطمه در طول حیات پیامبر در آنجا مستقر بودند . پس از ارتحال آن حضرت فدک را مصادره کردند .(5)

د) علاّمه طبرسی از امام سجاد و دیگر معصومین علیهم السلام و از حافظ حسکانی روایت کرده که پس از نزول این آیه ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فدک را به

1- 1 . فرات کوفی ، تفسیر فرات ، ج 3 ، ص 239 ، ح 322 ، مؤسّسه النّعمان ، بیروت ، 1412 ق .
2- 2 . علی بن ابراهیم ، تفسیر قمی ، ج 2 ، ص 18 ، دار الکتب ، قم ، 1387 ق .
3- 3 . عیّاشی ، التّفسیر ، ص 45 ، ح 47 ، مؤسّسه البعثه ، قم ، 1421 ق .
4- 4 . همان ، ص 46 ، ح 50 .
5- 5 . شیخ طوسی ، التّبیان ، ج 6 ، ص 468 ، دار احیاء التّراث ، بیروت ، بی تا .

حضرت فاطمه بخشید .(1)

ه) سید هاشم بحرانی ، بیش از ده حدیث از طریق شیعه و سنی روایت کرده که پس از نزول این آیه ، پیامبر به فرمان خدا فدک را به فاطمه عطا کرد .(2)

و) فیض کاشانی پس از نقل احادیث وارده ، در ذیل این آیه می نویسد :

احادیث در این معنی ، به حدّ استفاضه رسیده است .(3)

ز) ابن مشهدی نیز بیش از ده حدیث در ذیل این آیه ، در همین رابطه نقل کرده است .(4)

2 . « وَآتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ » ؛ « پس حقّ « ذِی الْقُرْبی » را بپرداز » .(5)

گروهی از مفسّران شیعه و سنّی در ذیل این آیه ی شریفه روایت کرده اند که چون این آیه نازل شد ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه علیهاالسلام را فراخواند و فدک را به او عطا کرد ، که از آن جمله اند :

الف) حافظ حسکانی ، با سلسله اسنادش از ابن عباس .(6)

ب) فرات کوفی ، با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام .(7)

ج) عیاشی ، با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام .(8)

د) علی بن ابراهیم ، با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام .(9)

1- 1 . طبرسی ، مجمع البیان ، ج 6 ، ص 633 ، دارالمعرفه ، بیروت ، 1408 ق .
2- 2 . بحرانی ، البرهان ، ج 6 ، ص 75 _ 78 ، مؤسّسه البعثه ، بیروت ، 1419 ق .
3- 3 . فیض ، الصّافی ، ج 4 ، ص 402 ، دارالکتب الاسلامیه ، تهران ، 1419 ق .

4- 4 . مشهدی ، کنزالدّقایق ، ج 7 ، ص 388 _ 392 ، چاپ ارشاد ، تهران ، 1411 ق .
5- 5 . سوره ی روم (30) : 38 .
6- 6 . حسکانی ، شواهد التنزیل ، ج 3 ، ص 570 ، ح 608 .
7- 7 . فرات کوفی ، التّفسیر ، ج 1 ، ص 322 ، ح 437 و 438 .
8- 8 . عیاشی ، التّفسیر ، ج 3 ، ص 45 ، ح 49 .
9- 9 . علی بن ابراهیم ، تفسیر قمی ، ج 2 ، ص 155 .

ه) بحرانی با سلسله اسنادش از امام باقر، امام صادق و ابوسعید خدری. (1)

3 . « مَا أَفاءَ اللّه ُ عَلَی رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُری فَ_للّه ِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِی الْقُرْبی » .8

« آنچه خداوند از اهل آبادی ها بر پیامبر برگرداند ، از آنِ خدا ، پیامبرِ خدا و ذوی القربی است » .

در این آیات مبارکه ، خداوند منّان در مورد آنچه مسلمانان برای به دست آوردن آن رکاب نزده ، اسب و استری نتاخته اند ، می فرماید : آنها « فَیْ ء » هستند و از آنِ خدا و رسول و ذوی القربی می باشند .

در ذیل این آیات ، مفسّران و محدّثان به داستان فدک پرداخته و آن را جزو « فَیْ ء » شمرده اند ؛ از جمله ی آنها است :

الف) ثعلبی از ابن عباس نقل کرده که منظور از این آیه ، اموال بنو قُرَیضه ، بنو نَضیر ، فدک ، خیبر ، و عُرَینه می باشد ، که خداوند همه اش را در اختیار پیامبر قرار داد و این آیات را نازل کرد و منظور از ذوی القربی ، خویشان پیامبر هستند و آنها بنی هاشم و بنی عبدالمطّلب هستند .(2)

ب) طبری ، نیز همین متن را با سلسله اسنادش از ابن عباس نقل کرده است .(3)

ج) قطب راوندی معجزه ی باهره ای از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که در فرازی از آن آمده است :

1- 1 . بحرانی ، البرهان ، ج 7 ، ص 443 _ 447 . 8 . سوره ی حشر (59) : 7 .
2- 2 . ثعلبی ، الکشف والبیان ، ج 9 ، ص 273 .
3- 3 . طبری ، جامع البیان ، ج 28 ، ص 24 ، دارالمعرفه ، بیروت ، 1412 ق .

« جبرئیل امین پیامبر را با طیّ الأرض به سرزمین فدک برد و در خانه های آن به گردش درآورد و آیه ی شریفه را تلاوت کرده ، گفت : ای محمّد ، این را خداوند به تو اختصاص داده ، دیگران هیچ نصیبی در آن ندارند » .

پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه بازگشته ، کلیدهای فدک را به مردم ارائه کرد و به حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود :

« دخترم ! خداوند فدک را به پدرت اختصاص داد . دیگر مسلمانان نصیبی در آن ندارند . هرگونه که بخواهم در آن تصرّف می کنم . مادرت خدیجه مهریّه ای در عهده ی پدرت داشت ، پدرت فدک را به عنوان مهریّه ی مادرت به تو داد ، تا نحله ی تو باشد ، سپس از آنِ فرزندانت » .

آنگاه پوست دبّاغی شده ی عُکاظی طلب نمود و به علی علیه السلام فرمود :

« اُکْتُبْ لِفاطِمَهَ بِفَدَکَ نِحْلَهً مِنْ رَسُولِ اللّهِ » .

« برای فاطمه فدک را به عنوان نِحله ی پیامبر خدا بنویس » .

حضرت علی ، امّ ایمن و یکی از غلامان پیامبر بر آن گواه شدند .(1)

1- 1 . قطب راوندی ، الخرائج والجرائح ، ج 1 ، ص 112 .

سپس راوندی گوید :

« اهالی فدک آمدند و پیامبر صلی الله علیه و آله فدک را به آنها سالیانه به 24000 دینار مقاطعه نمود » .(1)

د) به نقلی دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام در کنار هم ، فدک را گشودند .(2)

ه) امام رضا علیه السلام در مجلس مأمون با این آیه ی شریفه استشهاد نموده ، فرمود : هنگامی که این آیه نازل شد ، رسول اللّه صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه علیهاالسلام را فراخواند و فرمود :

« این فدک به من اختصاص دارد ، مسلمانان برای تصرّف آن رکاب نزده اند . خداوند به من امر فرموده که آن را به تو عطا کنم . پس آن را برای خود و فرزندانت بگیر » .(3)

پیشینه ی فدک

براساس آنچه مرحوم نهاوندی از کتاب « زبده الأقارن » نقل کرده ، پیشینه ی سرزمین فدک به قرن دهم پیش از میلاد می رسد .

وی در ضمن داستان بسیار مفصّلی نقل می کند که یکی از خواصّ اصحاب حضرت موسی علیه السلام به نام « ذَرخاء » مشهور به « ذَرخاءِ زاهد » از حضرت موسی علیه السلام وصف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام را شنیده

1- 1 . همان ، ص 113 .
2- 2 . فرات کوفی ، تفسیر فرات ، ج 2 ، ص 474 .
3- 3 . مشهدی ، کنزالدّقایق ، ج 13 ، ص 161 .

بود و آگاهی زیادی از رمل و اسطرلاب داشت .

در ضمن سیر و سیاحت خود ، به محلّی در نزدیکی « یثرب » رسید ، از آنجا خوشش آمد . چاه آبی حفر نمود ، چشمه ی پر آبی پدیدار گردید . پس در آبادانی آنجا کوشید . زاهدان و عابدان از ایل و تبارش به آنجا کوچ کردند . در اندک زمانی هشت قریه در آنجا پدید آمد .

چون اجلش فرارسید فرزندانش را گرد آورد و گفت :

« یکهزار و پانصد و پنجاه سال بعد ، پیامبری به نام « محمّد » در اینجا مبعوث می شود ، دامادش که « علی » نام دارد ، وصیّ و خلیفه ی اوست » .

آنگاه معجزه ی باهره ای از آن حضرت نقل کرده ، افزود :

« چون او مبعوث شود و این معجزه از او صادر گردد ، پس همگی به او ایمان آورده ، این هشت قریه را تسلیمش نمایید » .(1)

وجه تسمیه ی فدک

در اینکه چرا این سرزمین « فدک » نامیده می شود ، دو وجه گفته شده :

1 . پس از مهاجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به یثرب ، یکی از نوادگان « ذَرخاء » به پیامبر ایمان آورد و معجزه ای را که نیای او (ذرخاء) پیشگویی کرده

1- 1 . نهاوندی ، خزینه الجواهر ، ص 565 _ 568 ، چاپ ششم ، اسلامیه ، تهران ، 1364 ش .

بود ، توسّط آن حضرت به وقوع پیوست ، پس او بر اساس لوحی زرّین ، که در صندوقی در بسته از « ذرخاء » به او رسیده بود ، آن هشت قریه را به آن حضرت تقدیم نمود و عرضه داشت :

« فَداک » ؛ « این سرزمین به فدای شما » .

پس آنجا به « فَداکَ » موسوم شد و در اثر کثرت استعمال ، الف آن حذف گردید و به « فَدَک » شهرت یافت .(1)

2 . زجاجی گوید : نخستین کسی که در این سرزمین فرود آمد « فدک بن حام » بود و لذا به نام او « فدک » نامیده شد .(2)

گستره ی فدک

فدک بیش از آنکه به عنوان مال و منال و جاه و مقام مطرح باشد ، نمادِ حقّانیّت اهل بیت علیهم السلام در برابر صاحبان زَر و زور و تزویر است . آنچه از معصومین علیهم السلام در مورد محدوده ی فدک رسیده ، این معنی را به روشنی بیان می کند و اکنون به چند نمونه اشاره می کنیم :

الف) امیرمؤمنان علیه السلام محدوده ی فدک را به شرح زیر بیان فرمود :

* یک حدّ آن کوه اُحُد

* یک حدّ آن عَریش مصر

* حدّ دیگرش سَیفُ البحر

* حدّ چهارمش دَومَهُ الجَندَل .(3)

1- 1 . نهاوندی ، همان ، ص 568 .
2- 2 . حموی ، یاقوت ، معجم البلدان ، ج 4 ، ص 240 ، دار احیاء التّراث ، بیروت ، 1399 ق .

3- 3 . طریحی ، مجمع البحرین ، ج 5 ، ص 283 ، مکتبه مرتضویه ، تهران ، 1365 ش .

اگر حدود کشور پهناور اسلامی را در عهد مولای متقیان در نظر بگیریم ، در واقع آن حضرت حدود کشور اسلامی را به عنوان محدوده ی فدک بیان فرموده است .

ب) روزی حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام بر مهدی عباسی وارد شد ، او مشغول ردّ مظالم بود ، حضرت فرمود : چه شده که مظالمِ ما به ما برگردانیده نمی شود ؟ !

خلیفه ی عباسی پرسید : چه مظلمه ها ؟

امام علیه السلام سرگذشت فدک را به تفصیل بیان کرد . وی گفت : حدّ آن را برای من بازگوی . فرمود :

* یک حدّ آن کوه اُحد

* حدّ دیگرش عریش مصر

* حدّ سومش سیف البحر

* حدّ چهارم دومه الجندل .

خلیفه پرسید : همه ی اینها جزو فدک می باشد ؟ فرمود : آری .(1)

ج) روزی هارون الرشید به حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام گفت : فدک را بگیر . حضرت امتناع کرد . هارون اصرار ورزید . حضرت فرمود : اگر فدک را پس می دهی ، همه ی حدود آن را می خواهم .

هارون گفت : حدود آن چیست ؟

حضرت فرمود : اگر حدود آن را بیان کنم ، تسلیم نخواهی کرد . هارون گفت : به جدّت سوگند که تسلیم می کنم .

1- 1 . کلینی ، اصول کافی ، ج 1 ، ص 543 ، دارالأضواء ، بیروت ، 1405 ق .

امام کاظم علیه السلام فرمود : یک حدّ آن ، عدن است .

چهره ی هارون دگرگون شد .

حضرت فرمود : حدّ دیگر آن سمرقند است .

در این هنگام اضطراب و نگرانی به هارون دست داد .

حضرت فرمود : حدّ سوّم آن آفریقا است .

رنگ هارون سیاه شد .

امام علیه السلام فرمود : حدّ چهارم آن کرانه ی خزر و ارمنستان است .

هارون گفت : دیگر چیزی برای ما باقی نماند .

حضرت فرمود : گفتم که اگر حدود آن را مشخّص کنم ، پس نخواهی داد .

اینجا بود که هارون تصمیم گرفت او را به شهادت برساند .(1)

روی این بیان ، مطالبه ی فدک از سوی حضرت زهرا علیهاالسلام به جهت ارزش مالی آن نبود ، بلکه فدک نماد حقّانیت اهل بیت بود و حضرت فاطمه برای حمایت از امام زمانش آن را از حکومت وقت مطالبه می کرد و در طلب آن پای می فشرد .

مطالبه ی فدک

به گفته ی روایات ، خواسته های حضرت فاطمه علیهاالسلام از دولت وقت ، منحصر به « فدک » نبود ، بلکه ارث خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، فَیْ ء ، فدک و بازمانده ی خمس خیبر را نیز طلب می نمود .

1- 1 . سبط ابن جوزی ، تذکره الخواص ، ج 2 ، ص 466 ، مجمع جهانی اهل بیت ، قم ، 1426 ق . به نقل از ربیع الأبرار زمخشری ، ج 1 ، ص 315 ، شریف رضی ، قم ، 1410 ق .

بخاری با سلسله اسنادش از عایشه روایت کرده که گفت :

« إِنَّ فاطِمَةَ علیهاالسلام بِنْتَ النّبیِّ صلی الله علیه و آله ، أَرْسَلَتْ إِلی أَبی بَکْرٍ تَسأَلُهُ میراثَها مِنْ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله مِمّا أَفاءَ اللّه عَلَیْهِ بِالْمَدینهِ وَفَدَکَ وَما بَقِیَ مِنْ خُمْسِ خَیْبَرٍ » .

« فاطمه دخت پیامبر ، کسی را نزد ابوبکر فرستاد و میراث خود را از پیامبر ، از آنچه خداوند برای او « فَیْ ء » قرار داده ، از فدک و بازمانده ی خمس خیبر طلب کرد » .

ابوبکر گفت : پیامبر فرموده است : « ما ارث نمی گذاریم ، آنچه از ما بماند صدقه است ... » .

ابوبکر از اینکه چیزی از آنها را به فاطمه بدهد امتناع کرد ، پس فاطمه بر او خشم کرده ، قهر نمود و تا زنده بود با او سخن نگفت .

وقتی وفات یافت ، علی علیه السلام او را شبانه دفن کرد و خود بر او نماز گزارد و ابوبکر را از این امر آگاه نکرد .(1)

ابن ابی الحدید می نویسد :

« مردم خیال می کنند که حضرت فاطمه علیهاالسلام تنها میراث و نحله ی خود را از ابوبکر مطالبه می کرد ، ولی من در احادیث

1- 1 . بخاری ، الصّحیح ، ج 5 ، ص 177 ، دارالجیل ، بیروت ، افست چاپ سلطانی (یونینی) .

یافتم که وی مطالبه ی سوّمی نیز داشت که آن را نیز ابوبکر دریغ نمود و آن سهم ذوی القربی بود » .(1)

البته حضرت فاطمه علیهاالسلام دو مطالبه ی دیگر نیز داشت و آنها عبارت بودند از :

1) صدقات پیامبر صلی الله علیه و آله 2) سهم وی از غنایم جدید که در اختیار حکومت بود .

صدقات پیامبر

بحث درباره ی صدقات پیامبر صلی الله علیه و آله زمان گسترده ای را می طلبد، در اینجا تنها به یک قلم از آنها اشاره می کنیم و آن اموال « مُخَیرِیق » یهودی بود که همه اش را در اختیار پیامبر قرار داد و حضرت آنها را جزو صدقات خود نمود .

اموال او شامل : دلال ، برقه ، اَعواف ، صافیه ، مَیثب ، حُسنی و مَشرَبه ی امّ ابراهیم بود .(2)

ابن شبّه با سلسله اسنادش نقل کرده که حضرت فاطمه علیهاالسلام کسی را نزد ابوبکر فرستاد و میراثش را از فَیْ ء ، فدک ، باقیمانده ی خمس خیبر و صدقات پیامبر طلب کرد .(3)

با توجه به نمادین بودن بحث « فدک » ، بسیار طبیعی بود که

1- 1 . ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج 16 ، ص 230 ، چاپ عیسی الحلبی ، قاهره ، 1963 م .
2- 2 . ابن شبه ، تاریخ المدینه المنوّره ، ج 1 ، ص 173 .
3- 3 . همان ، ص 196 .

حضرت فاطمه علیهاالسلام از غنایم جدیدی که در اختیار خلیفه قرار می گرفت ، حق خود را مطالبه کند .

ارزش ریالی فدک

محدّثان ، مفسّران و مورّخان حامی مکتب خلافت ، کوشیده اند ارزش مالی فدک را بسیار پایین نشان دهند و گفته اند که خلیفه ی دوم نصف فدک را از اهالی فدک به 000/50 درهم خرید .(1)

این ادّعا یقیناً بی پایه است ؛ زیرا :

اوّلاً : به نصّ آیات قرآن ، تمام فدک در اختیار پیامبر بود ، نه نصف آن .

ثانیاً : پیامبر صلی الله علیه و آله درآمد فدک را به اهالی فدک سالیانه به 24000 دینار (معادل 000/240 درهم) مقاطعه کرده بود .(2)

ثالثاً : درآمد سالیانه ی فدک به 000/70 دینار (000/700 درهم) می رسید .(3)

رابعاً : نخل های فدک ، با همه ی نخلستان های کوفه برابری می کرد .(4)

و نکته ی مهم اینجا است که مطالبه ی فدک از سوی حضرت فاطمه علیهاالسلام تنها برای احقاق حق بود وگرنه در تمام مدّتی که فدک در اختیار حضرت فاطمه بود ، او درآمد فدک را به فقرا می داد و خود همانند وضع پیش از تملّکِ فدک زندگی می کرد .

حضرت فاطمه در زهد و ایثار همسنگ امیرمؤمنان است که معاویه

1- 1 . واقدی ، المغازی ، ج 2 ، ص 707 ، اعلمی ، بیروت ، 1409 .
2- 2 . مجلسی ، بحار الأنوار ، ج 29 ، ص 116 .
3- 3 . سید بن طاووس ، کشف المحجّه ، ص 124 .
4- 4 . ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج 16 ، ص 236 .

در حقّش می گوید :

« اگر برای علی دو انبار ؛ یکی از طلا و دیگری از کاه باشد ، او نخست طلاها را انفاق می کند ، سپس کاه ها را » .(1)

روی این بیان ، مطالبه ی ارث ، فی ء ، نحله ، خمس و صدقات ، منحصراً برای دفاع از ولایت امیرمؤمنان علیه السلام بوده است .

قباله های فدک

پیامبر خدا با توجّه به علم گسترده ای که از رخدادهای بعدی داشت ، برای حضرت فاطمه سندی نوشت و حضرت علی ، امّ ایمن و یکی از غلامانش را بر آن ، شاهد گرفت ، این نخستین قباله ی فدک بود .(2)

دوّمین قباله را ابوبکر ، پس از گواهی امیرمؤمنان و امّ ایمن ، به عنوان عدم تعرّض ، نوشت و به آن حضرت داد . حضرت زهرا وقتی از منزل خلیفه به خانه برمی گشت ، با عمر بن خطاب روبه رو آمد . عمر پرسید : این چیست که همراه تو است ؟ فرمود : پسر ابی قحافه برای من نوشته است . گفت : بر من ارائه کن تا ببینم . وقتی آن را از حضرت گرفت ، نگاه کرده ، به آن آب دهان انداخت و پاره کرد .(3)

سومین قباله را مأمون عباسی(4) و چهارمین قباله را عمر بن

1- 1 . علامه حلّی ، کشف الیقین ، ص 457 .
2- 2 . طبرسی ، اعلام الوری ، ج 1 ، ص 209 .
3- 3 . کلینی ، اصول کافی ، ج 1 ، ص 543 .
4- 4 . طبرسی ، مجمع البیان ، ج 6 ، ص 634 .

عبدالعزیز نوشتند .(1)

ماجرای فدک

داستان فدک بسیار گسترده و بستر سخن بسیار وسیع است و سخنان ناگفته و دُرهای ناسفته در این زمینه فراوان است که به جهت محدودیت صفحات کتاب ، از همه ی آنها صرف نظر می کنیم ، فقط دست به دست شدن آن را به طور فشرده می آوریم :

1 _ پیامبر صلی الله علیه و آله به فرمان پروردگار، به عنوان «خالصه» آن را در دست گرفت.

2 _ به فرمان خداوند آن را به عنوان « نحله » به حضرت زهرا تسلیم کرد .

3 _ در طول حیات پیامبر ، حضرت زهرا آن را در تصرّف خود داشت .

4 _ پس از ارتحال پیامبر ، ابوبکر آن را مصادره کرد .

5 _ پس از آن ، خلیفه ی دوّم به مدّت دو سال فدک را تصرّف کرده ، به امیرمؤمنان بازگرداند .

6 _ عثمان آن را مصادره کرد .

7 _ معاویه آن را به مروان بخشید .

8 _ عمر بن عبدالعزیز آن را بازگرداند .

9 _ پس از او ، بار دیگر مصادره شد و سفّاح برگرداند .

10 _ باز هم غصب شد و مهدی پس داد .

11 _ باز هم مصادره شد و مأمون برگرداند .

12 _ همچنین غصب شد و واثق پس داد .

1- 1 . ابن شهر آشوب ، مناقب آل ابی طالب ، ج 1 ، ص 225 .

13 _ باز هم غصب شد و منتصر برگرداند .

14 _ و باز مصادره شد و مهتدی برگرداند .

15 _ باز برای چندمین بار مصادره شد و راضی باللّه پس داد .(1)

روی این بیان ، فدک در ایّام خلافت امویان و عباسیان ، 10 بار مصادره شد و باز به فرزندان حضرت فاطمه بازگردانده شد .

از این دست به دست شدن ، می توان کشف کرد که خلفا نیز یقین داشتند که حدیث « نحن معاشر الأنبیاء لا نورث » دروغ است و دروغ بودن آن را ، حضرت فاطمه با استناد به آیات قرآن در خطبه ی مشهور خود ، که به عنوان استیضاح دولت وقت در میان مهاجران و انصار ایراد کرد ، اثبات نمود .(2)

1- 1 . ر . ک به : ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج 16 ، ص 216 ؛ طبرسی ، مجمع البیان ، ج 6 ، ص 634 ؛ سمهودی ، وفاء الوفا ، ج 3 ، ص 997 ، احیاء التراث ، بیروت ، 1401 ق . بحرانی ، البرهان ، ج 6 ، ص 78 و محدّث قمی ، فیض العلاّم ، ص 211 ، نوید ، قم ، 1365 ش .
2- 2 . نگارنده این خطبه را از ده منبع معتبر نقل کرده و کتاب شناسی 92 عنوان از شروح آن را در « کتابنامه ی آثار ماندگار تنها یادگار پیامبر » ، صص 9 _ 31 ، دلیل ما ، قم ، 1384 ش . آورده است .

یادداشت چهارم

نمی از یم فضایل و مناقب صاحب فدک

1 _ رسول اکرم صلی الله علیه و آله از خداوند متعال نقل می کند که در کلام قدسی فرمود:

« یا اَحْمَدُ ! لَوْلاکَ لَما خَلَقْتُ الْاَفْلاکَ ، وَلَوْلا عَلِیٌّ لَما خَلَقْتُکَ ، وَلَوْلا فاطِمَهُ لَما خَلَقْتُکُما » :

« ای احمد صلی الله علیه و آله اگر تو نبودی جهان را نمی آفریدم ، و اگر علی نبود تو را نمی آفریدم ، و اگر فاطمه نبود شما را نمی آفریدم » .(1)

2 _ امام باقر علیه السلام فرمود :

« وَلَقَدْ کانَتْ علیهاالسلام مَفْرُوضَهَ الطّاعَهِ عَلی جَمِیعِ مَنْ خَلَقَ اللّهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِءْنْسِ وَالطَّیْرِ وَالْوَحْشِ وَالْاَنْبِیاءِ وَالْمَلائِکَهِ » :

«حضرت فاطمه علیهاالسلام بر همه ی مخلوقات خداوند، از جن و انس و پرنده و درنده و پیامبران و فرشتگانْ واجب الاطاعه بود».(2)

1- 1 . میرجهانی ، الجُنّه العاصمه، ص 284 ، بیت الزّهراء ، مشهد ، 1426 ق .
2- 2 . طبری ، دلائل الامامه : ص 28 حیدریّه ، نجف ، 1383 ق ؛ ص 106 ، بعثت ، قم ، 1413 ق .

3 _ امام صادق علیه السلام فرمود :

« وَهِیَ الصِّدّیقَهُ الْکُبْری ، وَعَلی مَعْرِفَتِها دارَتِ الْقُرُونُ الاْءُولی » :

« او صدّیقه ی کبری است ، و همه ی قرنهای پیشین بر محور معرفت او دور زده است » .(1)

4 _ امام حسن عسکری علیه السلام فرمود :

« نَحْنُ حُجَّهُ اللّهِ عَلَی الْخَلْقِ ، وَفاطِمَهُ حُجَّهٌ عَلَیْنا » :

« ما امامانْ حجّت خدا بر مردمان هستیم ، و فاطمه علیهاالسلام حجّت خدا بر ما می باشد » .(2)

5 _ حضرت بقیّه اللّه _ ارواحنا فداه _ در ضمن توقیع شریفی مرقوم فرموده است :

« وَفِی اِبْنَهِ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله لی اُسْوَهٌ حَسَنَهٌ » :

1- 1 . شیخ طوسی ، الأمالی ، ج 2 ، ص 62 ، سنگی ؛ ص 668 ، ح 1399 ، مجلس 36 ، ح 6 ، بعثت ، قم ، 1414 ق .
2- 2 . طیّب ، تفسیر اطیب البیان ، ج 13 ، ص 235 .

« در دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله برای من الگوی خوبی هست » (1).

6 _ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

« نَزَلَ مَلَکٌ فَبَشَّرَنی اَنَّ فاطِمَهَ سَیِّدَهُ نِساءِ اَهْلِ الْجَنَّهِ » :

« فرشته ای به نزد من آمد و مرا بشارت داد که فاطمه بانوی بانوان اهل بهشت است » .(2)

7 _ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن حدیث مفصّلی فرمود :

« وَاَمّا اِبْنَتی فاطِمَهُ ، فَاِنَّها سَیِّدَهُ نِساءِ الْعالَمینَ ، مِنَ الْاَوَّلینَ وَالْآخِرینَ ، وَهِیَ بَضْعَهٌ مِنّی ، وَهِیَ نُورُ عَیْنی وَثَمَرَهُ فُؤادی ، وَهِیَ رُوحی » :

« امّا دخترم فاطمه ، پس او بانوی بانوان جهان است از اوّلین و آخرین ، او پاره ی تن من است ، او نور چشم من است ، او میوه ی دل من است ، و او روح من است » .(3)

8 _ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

1- 1 . شیخ طوسی ، کتاب الغیبه ، ص 286 ، بنیاد معارف ، قم ، 1411 ق .
2- 2 . ذهبی ، سیر اعلام النّبلاء ج 2 ، ص 123 ، الرّساله ، بیروت ، چ نهم ، 1413 ق .
3- 3 . شاذان بن جبرئیل ، الفضائل ، ص 22 ، مؤسّسه ی ولیّ عصر ، قم ، 1422 ق .

« فاطِمَهُ بَهْجَهُ قَلْبی ، وَابْناها ثَمَرَهُ فُؤادی ، وَبَعْلُها نُورُ بَصَری ، وَالْاَئِمَّهُ مِنْ وُلْدِها اُمَناءُ رَبّی ، وَحَبْلُهُ الْمَمْدُودُ بَیْنَهُ وَبَیْنَ خَلْقِهِ ، مَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ نَجا ، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ هَوی » :

« فاطمه سرور دل من است ، دو پسرش میوه ی دلم هستند ، همسرش نور دیده ام می باشد ، امامان از نسل فاطمه امنای پروردگار و ریسمان استوار خداوند به سوی مردمانند ، هر کس به آنها چنگ بزند نجات می یابد و هر کس از آنها تخلّف کند هلاک می گردد » .(1)

9 _ امیرمؤمنان علیه السلام در بیان این معنی که همه ی ستارگان فروزان امامت از آسمان عصمت حضرت فاطمه طلوع می کنند ، می فرماید :

« فَهُمُ الْکَواکِبُ الْعَلَوِیَّهُ الْمُشْرِفَهُ مِنْ شَمْسِ الْعِصْمَهِ ، الْفاطِمِیَّهِ ، فی سَماءِ الْعَظَمَهِ الْمُحَمَّدِیَّهِ ، وَالْاَغْصانُ النَّبَوِیَّهِ الثّابِتَهِ فِی الدَّوْحَهِ الْاَحْمَدِیَّهِ » :

« آنها ستارگان فروزان علوی هستند که در آسمان

1- 1 . خوارزمی ، مقتل الحسین ، ج 1 ، ص 99 ، فصل پنجم ، ح 21 ، انوار الهدی ، قم ، 1418 ق.

برافراشته ی محمّدی صلی الله علیه و آله از خورشید عصمت فاطمی نورافشانی می کنند ، آنها شاخه های نبوّت هستند که در حدیقه ی احمدی ثابت و استوارند » .(1)

10 _ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

« خَیْرُ رِجالِکُمْ عَلِیُّ بْنُ اَبی طالِبٍ ، وَخَیْرُ شَبابِکُمُ الْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ ، وَخَیْرُ نِسائِکُمْ فاطِمَهُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ » :

« بهترین مردان شما علی بن ابی طالب است ، بهترین جوانان شما حسن و حسین هستند ، و بهترین زنان شما فاطمه دختر محمّد است _ که درود خداوند بر همه شان باد _ » .(2)

11 _ رسول گرامی اسلام خطاب به حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود :

« اَلا تَرْضَیْنَ اَنْ تَکُونی سَیِّدَهَ نِساءِ اَهْلِ الْجَنَّهِ وَابْناکِ سَیِّدا شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّهِ » :

« آیا خشنود نیستی از این که بانوی بانوان اهل بهشت هستی و دو پسرت سرور جوانان بهشت می باشند » .(3)

1- 1 . میرجهانی ، الجُنّه العاصمه ، ص 166 ، فصل ششم ، ح 33 .
2- 2 . خطیب بغدادی ، تاریخ بغداد ، ج 4 ، ص 392 ، دارالکتب العلمیّه ، بیروت ، 1407 ق .
3- 3 . هیثمی ، مجمع الزّوائد ، ج 9 ، ص 201 ، دارالکتاب العربی ، بیروت ، 1402 ق .

12 _ امام صادق علیه السلام فرمود :

« لِفاطِمَهَ تِسْعَهُ اَسْماءِ عِنْدَ اللّه ِ عَزَّ وَجَلَّ : فاطِمَهُ وَالصِدّیقَهُ وَالْمُبارَکَهُ وَالطّاهِرَهُ وَالزَّکِیَّهُ وَالرَّضِیَّهُ وَالْمَرْضِیَّهُ وَالْمُحَدَّثَهُ وَالزَّهْراءُ » :

« برای حضرت فاطمه علیهاالسلام در نزد خداوند متعال نُه اسم هست : فاطمه ، صدّیقه ، مبارکه ، طاهره ، زکیه ، راضیه ، مرضیه ، محدَّثه و زهراء » .(1)

13 _ هنگامی که امام باقر علیه السلام را تب عارض می شد ، با صدای بلند نام حضرت فاطمه را بر زبان جاری می کرد و از آن استشفا می نمود .(2)

14 _ از امام صادق علیه السلام پرسیدند : چرا حضرت فاطمه علیهاالسلام « زهرا » نامیده شد ؟ فرمود :

« لِاَنَّها کانَتْ اِذا قامَتْ فی مِحْرابِها زَهَرَ نُورُها لِاَهْلِ السَّماءِ کَما یَزْهَرُ نُورُ الْکَواکِبِ لِاَهْلِ الْاَرْضِ » :

1- 1 . شیخ صدوق ، الامالی ، ص 474 ، مجلس 86 ، ح 18 ، اعلمی ، بیروت ، 1400 ق .
2- 2 . محدث قمی ، بیت الأحزان ، ص 100 ، حسینیّه ی عمادزاده ، اصفهان ، 1404 ق .

« زیرا هنگامی که حضرت زهرا در محراب عبادتش قرار می گرفت نور جمالش بر اهل آسمانها می درخشید آنچنان که نور ستارگان بر اهل زمین می درخشید » .(1)

15 _ یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام نام دخترش را « فاطمه » نهاده بود ، امام علیه السلام به او فرمود :

« اَما اِذا سَمَّیْتَها فاطِمَهَ فَلا تَسُبَّها وَلا تَلْعَنْها وَلا تَضْرِبْها » :

« حالا که او را فاطمه نامیده ای به او دشنام مده ، او را نفرین مکن و او را مزن » .(2)

16 _ امام صادق علیه السلام فرمود :

« لَوْ لا اَنَّ اللّهَ تَبارَکَ وَتَعالی خَلَقَ اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ علیه السلام لِفاطِمَهَ ، ما کانَ لَها کُفْوٌ عَلی ظَهْرِ الْاَرْضِ مِنْ آدَمَ وَمَنْ دُونَهُ » :

« اگر خداوند حضرت علی علیه السلام را برای حضرت فاطمه علیهاالسلام

1- 1 . شیخ صدوق ، معانی الأخبار ، ص 64 ، جامعه مدرسین ، قم ، 1361 ش .
2- 2 . کلینی ، الکافی ، ج 6 ، ص 49 ، دارالأضواء ، بیروت ، 1405 ق .

نمی آفرید ، هرگز برای او کفو و همسنگی پیدا نمی شد ، از حضرت آدم تا هر کسی که بعد از او پای در صحنه ی گیتی نهاده است » .(1)

17 _ حضرت فاطمه علیهاالسلام از پدر بزرگوارش خواست که از خدا بخواهد مهریه ی آن حضرت را شفاعت گنهکاران امّت قرار دهد .

جبرئیل فرود آمد و طاقه ی ابریشمی آورد که بر آن نوشته شده بود :

« جَعَلَ اللّهُ مَهْرَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ شَفاعَةَ الْمُذْنِبینَ مِنْ اُمَّهِ اَبیها » :

« خداوند شفاعت گنهکاران امّت را مهریه ی حضرت فاطمه قرار داد » .

حضرت فاطمه به هنگام ارتحال وصیّت فرمود که آن پارچه ی ابریشمی را از زیر کفن بر روی سینه اش قرار دهند .(2)

18 _ رسول اکرم علیه السلام خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود :

« اِنَّ اللّهَ اَمَرَنی اَنْ اُزَوِّجَکَ فاطِمَةَ عَلی خُمْسِ الدُّنْیا _ اَوْ عَلی رُبْعِها _ فَمَنْ مَشی عَلَی الاْءَرْضِ وَهُوَ یُبْغِضُکَ ،

1- 1 . کلینی ، اصول کافی ، ج 1 ، ص 461 .
2- 2 . قزوینی ، فاطمه الزّهراء من المهد الی اللّحد ، ص 134 ، بصیرتی ، قم ، 1414 ق .

فَالدُّنْیا عَلَیْهِ حَرامٌ ، وَمَشی عَلَیْها حَراماً » :

« خداوند به من امر فرمود که فاطمه را به تزویج تو درآورم ، در برابر یک پنجم روی زمین ، و یا فرمود : یک چهارم روی زمین [تردید از « عتبه » راوی حدیث است] پس هر کس در روی زمین گام بسپارد ، در حالی که تو را دشمن می داد ، دنیا بر او حرام است و گام نهادنش بر روی زمین حرام است » .(1)

19 _ در شب زفاف حضرت فاطمه علیهاالسلام حضرت رسول صلی الله علیه و آله در پیشاپیش حضرت فاطمه ، جبرئیل در طرف راست و میکائیل در طرف چپ ، و هفتاد هزار فرشته پشت سرِ آن حضرت حرکت می کردند و تا طلوع صبح به تسبیح و تقدیس پروردگار مشغول بودند .(2)

20 _ پیامبر گرامی اسلام خطاب به حضرت فاطمه فرمود :

« زَوْجُکِ اَعْلَمُ النّاسِ عِلْماً ، وَاَوَّلُهُمْ سِلْماً ، وَاَفْضَلُهُمْ حِلْماً » :

« همسرت از نظر دانش از همه داناتر ، و از جهت اسلام آوردن بر همه مقدّم ، و از جهت عقل از همه برتر است » .(3)

1- 1 . قندوزی ، ینابیع المودّه ، ج 2 ، ص 314 ، باب 56 ، 904 ، اسوه ، قم ، 1416 ق .
2- 2 . طبری ، ذخائر العقبی ، ص 32 ، قدسی ، قاهره ، 1356 ق .
3- 3 . دولابی ، الذّریّه الطّاهره ، ص 144 ، جامعه مدرسین ، قم ، 1407 ق .

21 _ امام کاظم علیه السلام فرمود :

« اِنَّ فاطِمَهَ علیهاالسلام صِدّیقَهٌ شَهیدَهٌ » :

« فاطمه علیهاالسلام صدّیقه و شهیده است » .(1)

22 _ حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود :

« فاطِمَهُ بَضْعَهٌ مِنّی ، یُریبُنی ما رابَهَا ، وَیُؤْذینی ما اذاها » :

« فاطمه پاره ی تن من است ، مرا اندوهگین می سازد آنچه او را اندوهگین سازد ، و مرا آزار می دهد آنچه او را آزار بدهد » .(2)

23 _ خداوند متعال به هنگام معرّفی پنج تن آلِ عبا به فرشتگان ، حضرت فاطمه را محور قرار داده فرمود :

« هُم فاطِمَهُ وَاَبَوُها وَبَعْلُها وَبَنُوها » :

« آنها عبارتند از : فاطمه ، پدر فاطمه ، همسر فاطمه و فرزندان فاطمه » .(3)

1- 1 . کلینی ، اصول کافی ، ج 1 ، ص 358 .
2- 2 . ابن حجر ، تهذیب التّهذیب ، ج 6 ، ص 609 ، داراحیاء التّراث ، بیروت ، 1412 ق .
3- 3 . طریحی ، المنتخب ، ج 2 ، ص 259 ، انتشارات رضی ، قم ، 1368 ش .

24 _ از امام صادق علیه السلام پرسیدند : حضرت فاطمه علیهاالسلام را چه کسی غسل داد ؟ فرمود : « امیرمؤمنان علیه السلام » .

این مطلب بر مفضّل سنگین آمد ، فرمود :

« لا تَضیقَنَّ فَاِنَّها صِدّیقَهٌ ، وَلَمْ یَکُنْ یُغَسِّلُها اِلاّ صِدّیقٌ ، اَما عَلِمْتَ اَنَّ مَرْیَمَ لَمْ یُغَسِّلْها اِلاّ عیسی » :

« بر دلت سنگین نیاید ، زیرا او صدّیقه بود و جز صدّیق نمی توانست او را غسل دهد ، مگر نمی دانی که حضرت مریم را حضرت عیسی غسل داد ؟ ! » .(1)

25 _ رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود :

« اِنَّ اللّهَ یَغْضِبُ لِغَضَبِکِ وَیَرْضی لِرِضاکِ » :

« خداوند به سبب خشم تو خشمگین می شود ، و به سبب خشنودی تو خشنود می شود » .(2)

26 _ رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت فاطمه می فرمود :

« فَداکِ اَبی وَاُمّی » :

1- 1 . کلینی ، اصول کافی ، ج 1 ، ص 459 .
2- 2 . طبرانی ، المعجم الکبیر ، ج 1 ، ص 108 ، دار احیاء التراث ، بیروت ، 1404 ق .

« پدر و مادرم به فدای تو باد » .(1)

27 _ امام رضا علیه السلام در مورد محلّ دفن حضرت فاطمه فرمود :

« دُفِنَتْ فی بَیْتِها ، فَلَمّا زادَتْ بَنُو اُمَیَّهُ فِی الْمَسْجِدِ صارَتْ فِی الْمَسْجِدِ » :

« در خانه ی خود به خاک سپرده شد ، هنگامی که بنی امیّه مسجد را گسترش دادند جزء مسجد قرار گرفت » .(2)

28 _ حضرت فاطمه علیهاالسلام در وصیّت خود به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود :

« نَشَدْتُکَ بِاللّهِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّهِ اَنْ لا یُصَلِّیَ عَلَیَّ اَبُوبَکْرٍ وَعُمَرُ » :

« تو را به خدا و به حق محمّد رسول خدا سوگند می دهم که ابوبکر و عمر بر جنازه ی من نماز نگذارند » .(3)

و در نقلی فرمود : « اگر آن دو نفر بر من نماز بخوانند به پدرم

1- 1 . حاکم ، المستدرک علی الصّحیحین ، ج 3 ، ص 156 ، دارالفکر ، بیروت ، 1398 ق .
2- 2 . کلینی ، اصول کافی ، ج 1 ، ص 461 .
3- 3 . محدث قمی ، بیت الأحزان ، ص 142 .

شکایت می کنم » .(1)

29 _ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مصائب جانکاهی که بر حضرت فاطمه وارد شد خبر داد و فرمود :

« اَللّهُمَّ الْعَنْ ظالِمَها ، وَعاقِبْ مَنْ غَصَبَها حَقَّها ، وَاَذِلَّ مَنْ اَذَلَّها، وَخَلِّدْ فِی النّارِ مَنْ ضَرَبَها عَلی جَنْبِها حَتّی اَلْقَتْ وَلَدَها » :

« خدایا بر ستمگرانش لعنت کن ، و غاصبان حقّش را عقاب کن ، و خوارکنندگانش را خوار کن ، و کسی را که بر پهلویش زد تا فرزندش را سقط کرد در آتش جاویدان ساز » .(2)

30 _ امام جواد علیه السلام مدّتی طولانی در دریای تفکّر غوطه ور بود ، امام رضا علیه السلام پرسید :

جانم به فدایت در چه موضوعی این قدر تفکّر می کنی ؟ ! فرمود :

« فیما صُنِعَ بِاُمّی فاطِمَةَ ، اَما وَاللّهِ لاُخْرِجَنَّهُما ثُمَّ لاُحْرِقَنَّهُما ثُمَّ لاُذْرِیَنَّهُما ثُمَّ لاَنْسِفَنَّهُما فِی الْیَمِّ نَسْفاً » :

1- 1 . طبری ، کامل بهائی ، ص 313 و ترجمه ی عربی ، ج 1 ، ص 398 ، المکتبه الحیدریّه ، قم ، 1426ق .
2- 2 . شاذان بن جبرئیل الفضائل ، ص 23 .

« در مصائب مادرم فاطمه علیهاالسلام می اندیشم ، به خدا سوگند جسد آن دو پلید را بیرون می آورم ، سپس آتش می زنم ، و خاکسترشان را بر باد می دهم و بازمانده شان را در دریا می ریزم » .(1)

31 _ امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید :

« ثُمَّ یُحْرِقُهُما بِالْحَطَبِ الَّذی جَمَعاهُ لِیُحْرِقا بِهِ عَلِیّاً وَفاطِمَهَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَیْنَ ، وَذلِکَ الْحَطَبُ عِنْدَنا نَتَوارَثُهُ » :

« حضرت بقیّه اللّه _ ارواحنا فداه _ آن دو پلید را با همان هیزمی که برای سوزانیدن علی و فاطمه و حسن و حسین گرد آورده بودند می سوزاند ، آن هیزم در نزد ما می باشد ، ما امامانْ آن را از یکدیگر به ارث می بریم » .(2)

32 _ در عهد امام صادق علیه السلام پای زنی لغزید و بر زمین افتاد ، از حضرت زهرا علیهاالسلام یاد کرد و گفت :

« لَعَنَ اللّهُ ظالِمیکِ یا فاطِمَهُ » :

« خداوند بر ستمگرانت لعنت کند ای فاطمه » .

1- 1 . محدث قمی ، بیت الأحزان ، ص 100 .
2- 2 . طبری ، دلائل الامامه ، ص 455 ، ح 435 .

مأمورین دولتی او را گرفتند و کتک زنان به زندان بردند .

چون خبر به امام صادق علیه السلام رسید آنقدر گریست که محاسن شریفش تر شد ، آنگاه به مسجد سهله تشریف بردند و برای استخلاص آن زن دعا کردند .(1)

33 _ هنگامی که رسول خدا در نزد حضرت فاطمه مائده ی آسمانی را مشاهده کرد فرمود :

« اَلْحَمْدُ للّهِ الَّذی لَمْ یُخْرِجْنی مِنَ الدُّنْیا حَتّی رَاَیْتُ فِی ابْنَتی ما رَایَ زَکَرِیّا فی مَرْیَمَ بِنْتِ عِمْرانَ » :

« سپاس خداوندی را که مرا از دنیا بیرون نبرد تا در نزد دخترم دیدم آنچه را که زکریّا در نزد مریم دخت عمران دیده بود » .(2)

34 _ امام باقر علیه السلام در وصف آن مائده ی آسمانی فرمود :

« آن یک کاسه نان و گوشت بود » .

1- 1 . محدث قمی ، بیت الأحزان ، ص 101 .
2- 2 . بحرانی ، عوالم ، ج 11 ، ص 94 ، مدرسه الامام المهدی ، قم ، 1405 ق .

سپس فرمود :

« فَأَکَلُوا مِنْها شَهْراً ، وَهِیَ الْجَفْنَهُ الَّتی یَأْکُلُ مِنْهَا الْقائِمُ ، وَهِیَ عِنْدَنا » :

« خاندان عصمت به مدّت یک ماه از آن غذا خوردند ، آن کاسه در نزد ماست ، و آن همان کاسه ای است که قائم علیه السلام در آن غذا تناول می کند » .(1)

35 _ رسول گرامی اسلام خطاب به حضرت فاطمه فرمود :

« اِبْشِری یا فاطِمَهُ ! فَاِنَّ الْمَهْدِیَّ مِنْکِ » :

« ای فاطمه تو را بشارت باد که حضرت مهدی از نسل توست » .(2)

36 _ امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود :

مادرم حضرت فاطمه را شب جمعه ای در محراب عبادتش دیدم که شب تا صبح مشغول رکوع و سجود بود ، تا هنگامی که صبح طالع گردید .

در این مدّت افراد زیادی را از مؤمنین و مؤمنان شنیدم که مادرم از آنها یاد کرد و در حق آنها دعا کرد ، ولی چیزی برای خودش دعا نکرد . گفتم : مادر جان در حقّ همه دعا کردی جز خودت ، فرمود :

1- 1 . عیّاشی التّفسیر ، ج 1 ، ص 304 ، ح 681 ، بعثت ، قم ، 1421 ق .
2- 2 . متقی هندی ، کنز العمّال ، ج 12 ، ص 105 ، الرساله ، بیروت ، 1409 ق .

« یا بُنَیَّ الْجارُ ثُمَّ الدّارُ » :

« فرزندم اوّل همسایه سپس خانه » .(1)

37 _ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

« اَوَّلُ مَنْ یَدْخُلُ الْجَنَّهَ بِنْتی فاطِمَهُ » :

« نخستین کسی که وارد بهشت می شود دخترم فاطمه است » .(2)

38 _ رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود :

« اِنَّ اللّهَ غَیْرُ مُعَذِّبِکِ وَلا وُلْدِکِ » :

« خداوند تو را و فرزندانت را هرگز عذاب نمی کند » .(3)

39 _ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

« اِذا کانَ یَوْمَ الْقِیامَهِ ، نادی مُنادٍ مِنْ بُطْنانِ الْعَرْشِ ، یا اَهْلَ الْمَوْقَفِ ! غُضّوُا اَبْصارَکُمْ وَنَکِّسُوا رُؤوُسَکُمْ لِتَجُوزَ

1- 1 . طبری ، دلائل الامامه ، ص 152 ، ح 65 .
2- 2 . زینی دحلان ، سیره ی حلبیّه ، ج 1 ، ص 232 ، دار احیاء التّراث ، بیروت ، افست چاپ سنگی 1320 ق .
3- 3 . هیثمی ، مجمع الزّوائد ، ج 9 ، ص 202 .

فاطِمَهُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ عَلَی الصِّراطِ » :

« چون روز قیامت فرارسد منادی از اعماق عرش ندا دهد : هان ای اهل محشر ! دیدگان خود را فروبندید و سرهای خود را پایین بیندازید ، تا فاطمه دخت محمّد از صراط عبور نماید » .(1)

40 _ رسول گرامی اسلام خطاب به جناب سلمان فرمود :

« یا سَلْمانُ ! حُبُّ فاطِمَهَ یَنْفَعُ فی مِائَهٍ مِنَ الْمَواطِنِ ، اَیْسَرُ تِلْکَ الْمَواطِنِ : الْمَوْتُ وَالْقَبْرُ وَالْمیزانُ وَالْمَحْشَرُ وَالصِّراطُ وَالْمُحاسَبَهُ » :

« ای سلمان ! محبّت دخترم فاطمه در صد مورد پر خطر سود می بخشد ، که از آسان ترین آنهاست : دم مرگ ، قبر ، میزان ، محشر ، صراط ، و به هنگام حساب و کتاب » .(2)

1- 1 . ابن جوزی ، تذکره الخواصّ ، ج 2 ، ص 334 ، مجمع جهانی اهلبیت ، قم ، 1426 ق .
2- 2 . خوارزمی ، ج 1 ، ص 100 ، فصل پنجم ، ح 23 .

یادداشت پنجم

اشاره ای کوتاه به شرح حال مترجم

اشاره

نویسنده ی پر توان ، پژوهشگر پر تلاش ، دانشمند پر آوازه ، شادروان عمادالدّین حسین عمادزاده ، فرزند مرحوم میرزا احمد عماد الواعظین ، صاحب بیش از یکصد اثر تألیفی و قریب هزار مقاله در مطبوعات کشور ، (1) مشهورتر از آن است که نیازی به معرّفی داشته باشد ، لذا در اینجا تنها اشاره ی کوتاهی به زندگانی ایشان می شود :

تولّد : دوم ذیحجه الحرام 1325 ق . برابر 16 دیماه 1287 ش . ششم ژانویه 1908 م . در اصفهان

مهاجرت به تهران : 1316 ش .

اساتید : سید علی نجف آبادی ، شیخ محمود مفید ، حاج میرزا علی آقا شیرازی ، شیخ محمّد حکیم خراسانی ، سید صدرالدین کوهپایه ای و میرزا رضا کلباسی .

اجازه ی روایتی از حضرات آیات : سید ابوالحسن اصفهانی ، سید محمّد حجّت ، شیخ محمّدرضا مظفر ، سید یونس اردبیلی و مرحوم شیخ آغابزرگ تهرانی .(2)

پدر بزرگوارش : مرحوم حاج میرزا احمد عماد الواعظین ، فرزند مرحوم ملاحسین عماد الواعظین ، متولّد 1298 ق . برابر 1255 ش . و

1- 1 . عمادزاده ، پیشوای اسلام ، ص 505 ، چاپ چهارم .
2- 2 . دست نوشته های عبدالحسین جواهر کلام .

متوفّای 1384 ق . برابر 1343 ش . از شاگردان ملا محمّدحسین کرمانی ، ملا عبدالکریم گزی ، سید محمود کلیشاوی و حاج آقا منیرالدین بروجردی ، که در بامداد جمعه سوم جمادی الثانیه 1384 ق . پس از نزول از منبر ، در مجلس عزای حضرت فاطمه علیهاالسلام بر اثر سکته وفات نموده ، در تکیه ی حاج محمّد جعفر آباده ای ، در جنب پدرش در تخت فولاد مدفون گردید .(1)

آثار علمی :

مرحوم عمادزاده به سال 1323 ش . امتیاز روزنامه ی « خرد » را در تهران گرفت ، به سال 1325 ش . روزنامه ی « فریاد اصفهان » را در زادگاه خود منتشر نمود .

از او در بیش از هزار مقاله در موضوعات مختلف اسلامی بر جای مانده و بیش از یکصد اثر علمی به یادگار مانده ، که بیش از نیمی از آنها به زیور طبع آراسته شده است .

در حوزه ی تألیف :

از مرحوم عمادزاده آثار تألیفی فراوان در رشته های مختلف به ویژه تاریخ ، تراجم و سیره منتشر شده ، که از آن جمله است :

1 . بستان الادب

2 . تاریخ اسلام

1- 1 . سید مصلح الدّین مهدوی ، أعلام اصفهان ، ج 1 ، ص 407 ، چاپ شهرداری اصفهان ، 1386 ش .

3 . تاریخ انبیا

4 . تاریخ کربلا

5 . تاریخ عاشورا

6 . زندگانی 14 معصوم در 25 مجلد

7 . شرح خطبه ی غدیر

8 . مبدء و معاد

9 . مکتب اسلام

10 . منتقم حقیقی

در حوزه ی ترجمه :

از مرحوم عمادزاده آثار فراوانی در حوزه ی ترجمه برجای مانده که از آن جمله است :

1 . ترجمه ی قرآن کریم

2 . ترجمه ی صحیفه ی سجّادیه

3 . ترجمه ی زینب الکبری ، از علاّمه نقدی

4 . ترجمه ی خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام

در آستان حضرت زهرا علیهاالسلام

از مرحوم عمادزاده آثار ارزشمندی در شرح زندگانی حضرت زهرا علیهاالسلام منتشر شده که از آن جمله است :

1 . آرامگاه حضرت فاطمه علیهاالسلام

2 . فاطمه ی زهرا دختر پیامبر

ص: 113

3 . فاطمه ی زهرا سیده نساء العالمین

4 . خطبه ی آتشین بانوی نمونه ی اسلام حضرت فاطمه ، دفتر نشر قم ، 1391 ق . در 76 صفحه ی وزیری ، به صورت صفحه مقابل .(1)

این کتاب یکبار دیگر تحت عنوان « متن کامل خطبه ی حضرت زهرا » از سوی کانون شریعت ، به سال 1373 ش . در تهران منتشر شده است .

سپس به پیوست « چهل حدیث در مناقب امّ ابیها » در سال 1379 ش . از سوی انتشارات رسالت قم انتشار یافته است .

و اینک خرسندیم که با اضافات و تجدیدنظر به صورتی که ملاحظه می فرمایید به شیفتگان خاندان عصمت و طهارت تقدیم می شود .

غروب غمبار

شادروان حسین عمادزاده پس از یک عمر تلاش ، تبلیغ ، ترویج ، تألیف ، ترجمه ، سخنرانی و خدمات برجسته ی دینی ، سرانجام در پنجم رمضان 1410 ق . برابر 12/1/1369 ش . اول آوریل 1990 م . در تهران دیده از جهان فروبست و در کنار مضجع محدّث عالیمقام شیخ صدوق قدس سره در شهر ری به خاک سپرده شد .

در پایان بر خود وظیفه می دانم که از بنیانگذار حسینیه ی عمادزاده ، مرحوم حاج آقارضا عمادزاده ، یاد کنم که این کتاب نیز از سوی

1- 1 . متن عربی خطبه به خط مرحوم احمد نجفی زنجانی و ترجمه ی آن به خط خلیل بهزادپور نگارش یافته بود .

انتشارات آن حسینیه منتشر می شود .

حاج آقا رضا ، برادر بزرگوار مرحوم حاج حسین عمادزاده ، فرزند برومند مرحوم حاج میرزا احمد عماد الواعظین ، که آثار خیریّه ی فراوان ، از جمله حسینیه ی عمادزاده را در خیابان احمدآباد اصفهان از خود به یادگار نهاد و ده ها کتاب ارزشمند مربوط به خاندان عصمت و طهارت را در طول عمر با برکت خود منتشر نمود ، از جمله : ترجمه ی آذری « اعتقادات علاّمه ی مجلسی » را در یکصد هزار تیراژ با حروف کریل (لاتین روسی) چاپ کرده به آذربایجان فرستاد تا در میان شیعیان آن سامان به رایگان پخش شود .

و اینک این خدمات توسّط فرزندان برومند آن عزیز سفر کرده ادامه می یابد .

از مرحوم حاج آقا رضا در کنار خدمات فرهنگی فراوان کتابی به نام « اربعین حدیث » به یادگار مانده است .

مرحوم حاج آقا رضا در شب چهارشنبه 20 جمادی الاولی 1420 ق . دیده از جهان فروبست و طبق وصیّتش در مدخل حسینیه اش به خاک سپرده شد . « عاش سعیداً و مات حمیداً » .

نهم ربیع المولود 1430 ق .

قم / علی اکبر مهدی پور

ص: 115

آثار چاپ شده ی مصحّح

1 _ ابو ریحان بیرونی / چاپ دوّم / دارالتبلیغ اسلامی / قم.

2 _ اجساد جاویدان / چاپ دوم / نشر حاذق / قم.

3 _ ارزیابی تمدن غرب / چاپ سوّم / انتشارات رسالت / قم.

4 _ ارمغان صافی / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.

5 _ ارمغان مجلسی / چاپ پانزدهم / انتشارات رسالت / قم.

6 _ ازدواج امّ کلثوم افسانه یا حقیقت / چاپ اوّل / انتشارات رسالت / قم.

7 _ از شب عاشور تا آدینه ی ظهور / چاپ اوّل / انتشارات عطر عترت / تهران.

8 _ اسرار نماز / چاپ چهارم / انتشارات رسالت / قم.

9 _ اعتقادات علاّمه ی مجلسی / چاپ سوم / انتشارات رسالت / قم.

10 _ اماکن زیارتی منتسب به امام زمان / سلسله مقالات / انتظار / قم.

11 _ او خواهد آمد / چاپ دوازدهم / انتشارات رسالت / قم.

12 _ با دعای ندبه در پگاه جمعه / چاپ اول / نشر موعود / تهران.

13 _ بانوی اسلام / چاپ اوّل / دارالتّبلیغ اسلامی / قم.

14 _ پیامبر پایه گذار تشیّع / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.

15 _ تاریخ شیعه ی زیدیّه / چاپ اوّل / دانشگاه شیراز.

16 _ تاریخ وهابیان / چاپ اول / نشر طوفان / تهران.

17 _ تاریخچه ی عاشورا / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

18 _ ترجمه ی مصوّر سوره ی رعد / به سه زبان / دفتر نشر/ تهران.

19 _ ترجمه ی مصوّر سوره ی الرّحمن / به چهار زبان / انتشارات اوس / استانبول.

20 _ تشرفات در میان نفی و اثبات / سلسله مقالات / موعود / تهران.

ص: 116

21 _ تشیّع یا اسلام راستین / چاپ ششم / بنیاد بعثت / تهران.

22 _ جزیره ی خضراء / چاپ چهاردهم / انتشارات رسالت / قم.

23 _ جغرافیای کشورهای اسلامی / سلسله مقالات / نسل نو / قم

24 _ چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم.

25 _ چهل حدیث پیرامون نور یزدان / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم.

26 _ چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم.

27 _ چهل حدیث در مناقب اوّلین پیشوا / چاپ اوّل / انتشارات رسالت / قم.

28 _ چهل حدیث در مناقب امّ ابیها / چاپ اوّل / انتشارات رسالت / قم.

29 _ حضرت مهدی و رابطه العالم الاسلامی /ترکی/انتشارات زمان/ استانبول.

30 _ دانشگاه امام صادق علیه السلام / چاپ اوّل / دارالتّبلیغ اسلامی / قم.

31 _ دراسه عن حیاه فاطمه علیهاالسلام / عربی / چاپ اوّل / بحرین.

32 _ در حریم حضرت معصومه علیهاالسلام / چاپ دوم / انتشارات رسالت / قم.

33 _ راهنمای قبله / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

34 _ روزگار رهائی / چاپ سوّم / نشر آفاق / تهران.

35 _ روزه در اسلام / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

36 _ رهبری در اسلام / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

37 _ زندگانی کریمه ی اهلبیت / نشر حاذق / قم.

38 _ زمینه سازان حکومت امام زمان / نشر توحید / تهران.

39 _ زیارت عاشورا وآثار معجزآسای آن / چاپ پنجم / انتشارات رسالت / قم.

40 _ زیارتنامه ی حضرت معصومه / چاپ دوم / نشر حاذق / قم.

41 _ سرچشمه ی کوثر / چاپ سوم / انتشارات راه وداد / کرج.

42 _ سند حدیث کساء / چاپ دوّم / انتشارات رسالت / قم.

43 _ سیری در ترجمه های قرآن / سلسله مقالات / نسل نو / قم.

44 _ سیمای مدینه / سلسله مقالات / میقات / تهران.

45 _ طول عمر امام زمان علیه السلام / چاپ سوّم / انتشارات طاووس بهشتیان / قم.

46 _ عاشورا چه روزیست ؟ / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

47 _ علاّمه ی اقبال در مدینه / چاپ اوّل / دارالتّبلیغ اسلامی / قم.

48 _ علی اول / چاپ دوم / نشر موعود / تهران.

49 _ علی و فلسفه ی الهی / چاپ اوّل / بنیاد علاّمه ی طباطبائی / قم.

50 _ قرآن معجزه ی جاویدان / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

51 _ قربانیان الکلیسم / سلسله مقالات / نسل جوان / قم.

52 _ کتابنامه ی آثار ماندگار تنهار یادگار پیامبر / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.

53 _ کتابنامه ی حضرت مهدی علیه السلام / چاپ اول / انتشارات الهادی / قم.

54 _ کرامات معصومیه / چاپ دوم / انتشارات حاذق / قم.

55 _ کریمه ی اهلبیت / چاپ اوّل / انتشارات حاذق / قم.

56 _ گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.

57 _ معارف اسلامی / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

58 _ میثم تمّار / چاپ اوّل / انتشارات توحید / تهران.

59 _ میلاد نور / چاپ اوّل / مسجد صدریّه / تهران.

60 _ نبراس الزائر / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.

61 _ نبراس الفائزین بزیاره امیرالمؤمنین علیه السلام / چاپ اول / انتشارات تک / قم.

62 _ نقش امام زمان در جهان هستی / چاپ سوّم / دارالتّبلیغ اسلامی / قم.

63 _ نقش روزه در درمان بیماریها / به هشت زبان / کعبه / تهران.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109